

The Impact of Creative Accounting Techniques on Corporate Failure with the Moderating Role of Corporate Governance¹

Kaveh Parandin²

Received: 2026/06/23

Accepted: 2026/08/22

Research Paper

Abstract

Objective: This study aims to investigate the impact of creative accounting techniques on corporate failure, considering the moderating role of corporate governance in firms listed on the Tehran Stock Exchange.

Methods: This research is applied in purpose, quantitative in nature, and correlational in design. Panel data and multiple logistic regression were employed to test the hypotheses. The statistical population comprises all firms listed on the Tehran Stock Exchange from 2011 to 2024, from which a final sample of 180 firms was selected after applying necessary screening criteria. The dependent variable is corporate failure, measured using the modified Altman model. The independent variables encompass three creative accounting techniques: accrual-based earnings management, income smoothing, and tax avoidance. Corporate governance, serving as the moderating variable, was constructed as a composite index through Principal Component Analysis.

Results: The results demonstrated that all three creative accounting techniques exert a positive and significant effect on the probability of corporate failure, with accrual-based earnings management exhibiting the strongest marginal effect at 24.8%. Furthermore, corporate governance significantly attenuates the relationship between each of the three creative accounting techniques and corporate failure, wherein the strongest moderating effect pertains to the relationship between accrual-based earnings management and corporate failure, while the weakest is observed for income smoothing. The final model achieved an overall predictive accuracy of 76.2% in identifying firms at risk of failure, indicating satisfactory model performance.

Conclusion: Firms with robust corporate governance mechanisms exhibit greater resilience against the detrimental consequences of creative accounting, with corporate governance functioning as a compensatory mechanism. This study

¹ 10.30466/JFCS.2026.57299.1064

² Associate Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), (kparandin@pnu.ac.ir).

underscores the necessity of strengthening regulatory mechanisms, including board independence and audit committee effectiveness, as well as designing long-term performance-based compensation systems to mitigate incentives for financial manipulation.

Innovation: The primary innovation of this research lies in its multidimensional approach to creative accounting by simultaneously examining three techniques: accrual-based earnings management, income smoothing, and tax avoidance. Additionally, the construction of a composite corporate governance index through Principal Component Analysis facilitates a more comprehensive assessment of regulatory mechanisms. By identifying structural breakpoints in 2012 and 2018 resulting from sanctions and exchange rate shocks, this study contributes the first empirical investigation into the moderating role of corporate governance during economic crises in Iran. The application of panel logistic regression, calculation of marginal effects, and dynamic GMM estimation to control for endogeneity have yielded a predictive accuracy of 76.2%, establishing the model as an effective early warning system for Iran's capital market.

Keywords: Creative Accounting, Accrual-Based Earnings Management, Tax Avoidance, Corporate Failure, Corporate Governance.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.



تأثیر تکنیک‌های حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی با نقش تعدیلگر حاکمیت

شرکتی^۱

کاوه پرندین^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف: هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر تکنیک‌های حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی با در نظر گرفتن نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت داده‌ها کمی و از نوع همبستگی می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از داده‌های تابلویی و رویکرد رگرسیون چندگانه با برآوردگر لاجیت استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ بوده که پس از اعمال محدودیت‌های لازم، ۱۸۰ شرکت به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. متغیر وابسته، شکست شرکتی (با استفاده از مدل تعدیل شده آلتمن) و متغیرهای مستقل شامل سه تکنیک حسابداری خلاقانه (مدیریت سود تعهدی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی) هستند. متغیر تعدیلگر، حاکمیت شرکتی است که از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی به صورت یک شاخص ترکیبی ساخته شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که هر سه تکنیک حسابداری خلاقانه تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش احتمال شکست شرکتی دارند که در این میان مدیریت سود تعهدی با اثر نهایی ۲۴/۸ درصد، بیشترین تأثیر افزایشی را داشته است. همچنین نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر تعدیلگر، رابطه بین هر سه تکنیک حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی را به طور معناداری تضعیف می‌کند؛ به گونه‌ای که قوی‌ترین اثر تعدیلگری مربوط به رابطه مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی و ضعیف‌ترین آن مربوط به هموارسازی سود است. دقت کلی مدل نهایی در پیش‌بینی شرکت‌های در معرض شکست ۷۶/۲ درصد برآورد شد که نشان‌دهنده عملکرد رضایت‌بخش مدل می‌باشد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج، شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی، در برابر پیامدهای مخرب حسابداری خلاقانه مقاوم‌تر

^۱ 10.30466/JFCS.2026.57294.1063

^۲ دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (kparandin@pnu.ac.ir).

بوده و حاکمیت شرکتی به‌عنوان یک مکانیزم جبران‌کننده عمل می‌کند. این پژوهش بر ضرورت تقویت سازوکارهای نظارتی از جمله استقلال هیئت‌مدیره و کارآمدی کمیته حسابرسی، و همچنین طراحی سیستم‌های پاداش مبتنی بر عملکرد بلندمدت به‌منظور کاهش انگیزه‌های دستکاری مالی تأکید دارد.

نوآوری: نوآوری اصلی این پژوهش در رویکرد چندبعدی به حسابداری خلاقانه با بررسی همزمان سه تکنیک مدیریت سود تعهدی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی است. همچنین با ساخت شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی، امکان سنجش کل‌نگرتری از سازوکارهای نظارتی فراهم شده است. این پژوهش با شناسایی نقاط شکست ساختاری در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ ناشی از تحریم‌ها، برای نخستین‌بار به واکاوی نقش تعدیل‌گری حاکمیت شرکتی در شرایط بحران‌های اقتصادی ایران پرداخته است. به‌کارگیری رگرسیون لاجیت با داده‌های تابلویی، محاسبه اثرات نهایی و مدل GMM پویا برای کنترل درون‌زایی، دقت پیش‌بینی ۷۶٫۲ درصدی را برای مدل به همراه داشته و آن را به سیستم هشداردهنده کارآمدی برای بازار سرمایه ایران تبدیل کرده است.

واژه‌های کلیدی: حسابداری خلاقانه، مدیریت سود تعهدی، اجتناب مالیاتی، شکست شرکتی، حاکمیت شرکتی.

مقدمه

گزارشگری مالی نادرست، شامل گزارش‌های جعلی، خطاهای مهم که به اصلاح نیاز دارند، و مدیریت سود، نمونه‌ای از این تخلفات است که به‌طور گسترده‌ای در کشورهای مختلف مشاهده شده است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که عوامل رفتاری نظیر "لغزش گاه اخلاقی" و لحن مدیریت ارشد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری مدیران مالی برای دستکاری گزارش‌ها ایفا می‌کنند (رز و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین، شواهد تجربی در بازارهای نوظهور حاکی از آن است که شرکت‌های دچار محدودیت‌های مالی و در ماندگی، به‌طور سیستماتیک بیشتر به سمت حسابداری خلاقانه گرایش دارند (انکوا و همکاران، ۲۰۲۵؛ بلیکلی، ۲۰۲۵).

اطلاعات مالی دارای کیفیت بالا و حاکمیت شرکتی مؤثر می‌تواند از طریق مدیریت ریسک و رهبری اخلاقی، آسیب‌پذیری مالی شرکت‌ها را کاهش دهد. همچنین آگاهی نسبت‌های مالی خاص و تحلیل دقیق آن‌ها، سیگنال‌های مؤثری درباره احتمال شکست شرکت‌ها ارائه می‌دهد (جوالی و دیگران، ۲۰۲۴). کیفیت حسابرسی می‌تواند به‌طور قابل توجهی تمرکز مدیریت را بر جلوگیری از دستکاری مالی افزایش داده و از شدت مدیریت سودهای واقعی بکاهد. البته تأثیر استقلال و اندازه هیئت حسابرسی در میزان مدیریت سود به‌صورت قاطع اثبات نشده است، ولی کیفیت حسابرسی به‌عنوان عاملی تقویت‌کننده نقش هیئت حسابرسی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی مطرح است (حسن و دیگران، ۲۰۲۰). ظهور پدیده حسابداری خلاقانه به‌عنوان عاملی بالقوه در تحریف اطلاعات مالی نقش اساسی و پیچیده‌ای در کیفیت گزارشگری مالی ایفا می‌کند. حسابداری خلاقانه به معنای دستکاری آگاهانه در داده‌های مالی است که هدف آن ارائه تصویری بهتر از وضعیت مالی یا عملکرد شرکت است و می‌تواند تأثیرات متنوعی بر شفافیت و قابلیت اتکای اطلاعات مالی داشته باشد. حسابداری خلاقانه مجموعه‌ای از رفتارهای مدیریتی است که با استفاده از ملاحظات اخلاقی ضعیف، استانداردهای حسابداری و ساختارهای نظارتی، صورت‌های مالی را آن‌گونه تغییر می‌دهد که تصویر بهتری از سودآوری، دارایی‌ها یا عملکرد جاری را نشان دهد (کامائو و موروری، ۲۰۲۴). کارکردهای روانشناختی و فشارهای سازمانی تأثیر بسزایی بر به‌کارگیری حسابداری خلاقانه دارند. مطالعات نشان داده‌اند که عواملی مانند فشارهای بیرونی و داخلی برای رسیدن به اهداف مالی، نگرانی‌های شخصی مدیران، ضعف نظارت و کنترل‌های داخلی ناکارآمد، فرصت‌هایی برای دستکاری داده‌های مالی فراهم می‌کنند. همچنین، عدم توازن قدرت بین مدیران و سایر ذی‌نفعان و نارسایی‌های اخلاقی، زمینه‌ساز تعمیم این روش‌ها می‌شوند (پراسماولیدا، ۲۰۱۶). حسابداری خلاقانه که به قصد ایجاد تصویر مطلوب‌تر اجرا می‌شود، به‌طور کلی برای کاربران صورت‌های مالی همچون سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران

مخرب است. این شیوه‌ها موجب کاهش اعتماد به گزارش‌های مالی، تحریف اطلاعات واقعی و نهایتاً تصمیم‌گیری‌های نادرست اقتصادی می‌شوند (الجاوری و دیگران، ۲۰۲۱). از منظر اخلاقی، حسابداری خلاقانه به عنوان نقض اصول صداقت، شفافیت و یکپارچگی مالی تلقی می‌شود و باعث تضعیف اعتماد عمومی نسبت به نظام مالی و بازار سرمایه می‌گردد. در سطح تنظیم‌گری نیز، وجود قوانین و استانداردهای سخت‌گیرانه‌ای نظیر استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، اصول حسابداری پذیرفته‌شده عمومی و قوانین ویژه مقابله با کلاهبرداری مالی اهمیت دارد (کامائو و موروری، ۲۰۲۴). بررسی نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی در رابطه بین حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی یک شکاف تحقیقاتی بسیار ارزشمند و کاربردی است که می‌توان آن را با طرح این سوالات که آیا حسابداری خلاقانه بر احتمال شکست شرکتی تأثیر دارد و آیا مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی این رابطه را تضعیف می‌کنند، به یک پژوهش منسجم تبدیل کرد. در این راستا، متغیر مستقل یعنی حسابداری خلاقانه، متغیر وابسته یا شکست شرکتی و متغیر تعدیلگر شامل شاخص‌های تفکیک‌شده حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار می‌گیرند. نوآوری اصلی این تحقیق در اثبات این موضوع است که آیا یک سیستم حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند به عنوان یک سپر دفاعی، اثرات مخرب دستکاری‌های حسابداری را خنثی کند یا خیر؛ هدفی که برای دستیابی به آن، استفاده از رگرسیون لجستیک برای داده‌های تابلویی جهت آزمون فرضیه‌ها پیشنهاد می‌شود.

شفافیت اطلاعاتی از ارکان اصلی کیفیت گزارشگری مالی و پایه‌ی اعتماد در بازار سرمایه است. سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری‌های بهینه مالی به اطلاعات دقیق، قابل اطمینان و به موقع نیازمندند. شفافیت به معنای افشای صادقانه و کامل ویژگی‌های اقتصادی شرکت است که کاربران گزارش‌ها بتوانند آن را به درستی درک کنند. این مفهوم هم شامل کیفیت گزارشگری است و هم زمان‌بندی گزارش (مسیوی و باکاری، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، نهادهای نظارتی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار یا کمیته‌های حسابرسی برای حفظ سلامت بازار و حمایت از سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مالی شفاف و دقیق نیاز دارند تا بتوانند به موقع دخالت کرده و از تخلفات یا سوءاستفاده‌ها جلوگیری نمایند. ضعف در شفافیت گزارشگری می‌تواند فرصت‌هایی برای دستکاری‌های حسابداری ایجاد کند که به نفع مدیریت و به زیان سایر ذی‌نفعان است و موجب تضاد منافع می‌شود (استابوس، ۲۰۰۵). ورشکستگی یا شکست شرکت‌ها آثار گسترده و عمیقی در دو سطح اقتصادی و اجتماعی دارد. از بعد اقتصادی، شکست‌های شرکتی منجر به از دست رفتن سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش ارزش بازار، بی‌ثباتی مالی و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین هزینه‌های مرتبط با ورشکستگی نظیر بدهی‌های معوق و ضرر و زیان برای طلبکاران و سرمایه‌گذاران به همراه دارد (مسیوی و باکاری، ۲۰۲۴). از بعد اجتماعی نیز، افزایش نرخ شکست‌های شرکتی موجب بروز بیکاری،

کاهش رفاه اجتماعی، تضعیف اعتماد عمومی به بازار و نظام‌های مالی شده و به‌طور کلی فشارها و چالش‌های اجتماعی را تشدید می‌کند. عدم شفافیت و گزارشگری مالی ناکافی می‌تواند در بروز این شکست‌ها نقش‌ساز باشد (استابوس، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان داده‌اند که استانداردهای مبتنی بر اصول می‌توانند در کاهش تخلفات و بهبود کیفیت گزارشگری مؤثرتر از استانداردهای مبتنی بر قواعد باشند، زیرا آنها انعطاف بیشتری به مدیران می‌دهند اما در عین حال نیازمند قضاوت و اخلاق حرفه‌ای بالا هستند (ساندویک، ۲۰۱۹). به‌علاوه، افزایش شفافیت و افشای مناسب اطلاعات به کمک مقررات نظارتی می‌تواند مانع از فرصت‌های دستکاری در گزارشگری شود. ابزارهایی مانند افزایش کیفیت حسابرسی، نظارت مؤثر هیئت‌های حسابرسی، و تقویت حاکمیت شرکتی در این زمینه نقش کلیدی دارند. از سوی دیگر، استفاده از فناوری‌های نوین مانند تجزیه و تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی، می‌تواند به نهادهای نظارتی در شناسایی سریع‌تر تخلفات کمک کند (مسیوی و باکاری، ۲۰۲۴). شاخص‌های شکست شرکتی طیفی شامل علل نظیر درماندگی مالی، کاهش توان سودآوری، افزایش سطح بدهی، کاهش نقدینگی و ورشکستگی قانونی یا خروج از بورس هستند. علاوه بر این، شاخص‌هایی مانند نسبت‌های مالی، کاهش اعتبار گزارش‌های مالی و افزایش مدیریت سود می‌توانند نمایانگر خطر ورشکستگی باشند. شواهد حاکی از این است که استفاده گسترده از حسابداری خلاقانه احتمال بروز شکست‌های مالی را افزایش داده و می‌تواند سیگنال‌دهنده بحران‌های مالی پیش رو باشد (جوالی و دیگران، ۲۰۲۴). حاکمیت شرکتی نقش مهمی در پیشگیری و کنترل آثار حسابداری خلاقانه و مدیریت سود دارد. ساختارهایی نظیر هیئت‌مدیره مستقل، کمیته حسابرسی کارآمد و سهامداران نهادی فعال، میزان فرصت‌ها و انگیزه‌های مدیریت برای تحریف اطلاعات مالی را کاهش می‌دهند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ویژگی‌هایی مانند استقلال اعضای هیئت‌مدیره، تخصص مالی اعضا، عملکرد مؤثر کمیته حسابرسی و شفافیت در افشای اطلاعات، می‌توانند کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشیده و احتمال شکست‌های شرکتی را کاهش دهند (حسن و دیگران، ۲۰۲۰). سؤالات و اهداف این پژوهش با توجه به موضوع بررسی تأثیر تکنیک‌های حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی با نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی تدوین شده‌اند. بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش عبارت‌اند از اینکه آیا استفاده از تکنیک‌های حسابداری خلاقانه تأثیر مثبت و معناداری بر احتمال شکست شرکتی دارد و آیا وجود حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند رابطه بین حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی را تضعیف یا تعدیل کند. در راستای پاسخگویی به این سؤالات، هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر تکنیک‌های حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی با در نظر گرفتن نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی است. همچنین اهداف فرعی شامل شناسایی متداول‌ترین تکنیک‌های حسابداری خلاقانه در شرکت‌های دارای احتمال شکست، بررسی رابطه میان

استفاده از این تکنیک‌ها و احتمال شکست شرکتی، و تعیین مؤلفه‌ها و سازوکارهای کلیدی حاکمیت شرکتی است که می‌توانند در این رابطه نقش تعدیلگر ایفا کنند.

اگرچه پژوهش‌های متعددی به بررسی رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران یا پیش‌بینی ورشکستگی پرداخته‌اند، اما مرور ادبیات موجود نشان‌دهنده سه شکاف پژوهشی عمده است که این مطالعه درصدد رفع آن‌هاست؛ نخست، مطالعات پیشین غالباً حسابداری خلاقانه را صرفاً از دریچه مدیریت سود تعهدی سنجیده‌اند و از نقش همزمان سایر ابزارهای دستکاری مالی نظیر هموارسازی سود و رفتارهای تهاجمی مالیاتی (اجتناب مالیاتی) بر بقای شرکت غفلت ورزیده‌اند. دوم، سازوکارهای حاکمیت شرکتی معمولاً به صورت پراکنده و متغیرهای تک‌بعدی ارزیابی شده‌اند، در حالی که این پژوهش با تجمع شاخص‌های ساختاری و نظارتی از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)، یک سنجه کل‌نگر ارائه می‌دهد. سوم، نقش تعدیل‌گری این شاخص ترکیبی در بستر یک اقتصاد تحت تحریم و مواجهه با شوک‌های ساختاری (سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷) مورد واکاوی قرار گرفته است تا مشخص شود آیا کارآمدی حاکمیت شرکتی در شرایط بحران اقتصادی نیز پابرجا می‌ماند یا خیر. از این رو، این پژوهش با ترکیب این ابعاد، شواهد تجربی نوینی را به ادبیات حسابداری و تصمیم‌گیری ذی‌نفعان در بازار سرمایه ایران ارائه می‌کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش حسابداری خلاقانه

حسابداری خلاقانه به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تکنیک‌هایی اطلاق می‌شود که مدیران شرکت‌ها با استفاده از دانش و قواعد حسابداری، اطلاعات مالی را به گونه‌ای تنظیم و تغییر می‌دهند که تصویر بهتری از عملکرد مالی و وضعیت شرکت ارائه شود. این تغییرات معمولاً بدون نقض صریح قوانین حسابداری انجام می‌گیرند اما باعث می‌شود صورت‌های مالی واقعیت اقتصادی را به صورت کامل و دقیق منعکس نکنند. هدف اصلی از حسابداری خلاقانه، ارائه اطلاعات مالی مطلوب به ذینفعان و گاهی پنهان‌سازی ضعف‌های واقعی در عملکرد مالی شرکت است (بلو و دیگران، ۲۰۲۴). سیر تکامل حسابداری خلاقانه به رشد پیچیدگی معاملات اقتصادی و توسعه استانداردهای حسابداری و گزارشگری بازمی‌گردد. با افزایش انعطاف در چارچوب‌های حسابداری و پیچیده‌تر شدن فعالیت‌های مالی، فرصت‌های بیشتری برای استفاده از تکنیک‌های حسابداری خلاقانه فراهم شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پیچیدگی معاملات و آزادی عمل مدیران در قضاوت‌های حسابداری، مهم‌ترین عوامل توسعه حسابداری خلاقانه در طول زمان بوده‌اند (بلو و دیگران، ۲۰۲۴؛ ناپیر، ۲۰۰۱). انگیزه‌های اصلی مدیران برای به کارگیری حسابداری خلاقانه عمدتاً به

دو گروه ملاحظات اقتصادی و فشارهای سیاسی-روانی تقسیم می‌شود. از جنبه اقتصادی، مدیران می‌کوشند با نمایش مطلوب نتایج مالی، سرمایه جذب کنند، هزینه تأمین مالی را کاهش دهند، قیمت سهام را حفظ یا افزایش دهند و اعتبار شرکت را در نزد اعتباردهندگان بهبود بخشند. از سوی دیگر، فشارهای سیاسی و روانی شامل الزام به دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت عملکرد، حفظ موقعیت شغلی، دریافت پاداش‌های مبتنی بر عملکرد مالی و پاسخگویی به انتظارات سهامداران است و در کنار آن، فقدان نظارت مؤثر، ضعف حاکمیت شرکتی و فضای اخلاقی نامطلوب، مدیران را به استفاده از راهکارهای حسابداری خلاقانه سوق می‌دهد (بلو و دیگران، ۲۰۲۴). حسابداری خلاقانه به معنای استفاده از روش‌ها و تکنیک‌هایی است که مدیران مالی برای تغییر یا دستکاری گزارشگری مالی به کار می‌برند تا تصویر مطلوب‌تری از عملکرد یا وضعیت مالی شرکت ارائه دهند. این تکنیک‌ها ممکن است قانونی باشند اما هدف آنها اغلب فریب دادن کاربران گزارش‌های مالی است، به شکلی که سود یا عملکرد مالی شرکت بهتر یا قابل قبول‌تر به نظر برسد (کامائو و موروری، ۲۰۲۴؛ آدجومو و اوگبوری، ۲۰۲۵). دستکاری سود یکی از اصلی‌ترین روش‌های حسابداری خلاقانه است که در آن مدیران با استفاده از انتخاب‌های حسابداری یا تغییر در اقلام مالی به طور عمدی میزان سود گزارش شده را تغییر می‌دهند. این کار می‌تواند با هدف افزایش سود برای جذب سرمایه‌گذاران یا کاهش سود برای اهداف مالیاتی انجام شود (کریستنسن و دیگران، ۲۰۲۲). مدیریت سود به معنای انتخاب قانونی و واقع‌گرایانه روش‌های حسابداری در چارچوب اصول پذیرفته‌شده حسابداری است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن سود گزارش شده به منظور برآورده کردن اهداف خاص مالی می‌باشد (گانی، ۲۰۱۰). دستکاری اقلام تعهدی شامل تغییر در برآوردها و ثبت تعهدات حسابداری است. مدیران می‌توانند با تغییر مفروضات درباره درآمدها و هزینه‌های تعهدی سود گزارش شده را افزایش یا کاهش دهند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که چنین تغییراتی ممکن است در بخش‌های مختلف شرکت‌ها، از جمله بانک‌ها برای کاهش هزینه‌ها و افزایش دارایی‌های نامشهود، به طور گسترده رخ دهد (خاتون و دیگران، ۲۰۲۲). یکی از روش‌های معمول حسابداری خلاقانه، تغییر در زمان یا نحوه شناسایی درآمدها و هزینه‌ها است تا سود شرکت به گونه‌ای مطلوب گزارش شود. برای مثال، شتاب دادن در شناسایی درآمد قبل از موعد واقعی یا تعویق هزینه‌ها می‌تواند باعث افزایش سود دوره جاری شود. استانداردهای جدیدی مانند استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۱۵ که مرتبط با شناسایی درآمد است، به مدیران اختیار قضاوت بیشتری می‌دهد، که ممکن است به افزایش فرصت‌های مدیریت سود منجر شود (سوزا و دیگران، ۲۰۲۲). حسابداری خلاقانه پیامدهای جدی و چندجانبه‌ای بر گزارشگری مالی دارد که بر اعتبار و قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری اثرگذار است، از جمله کاهش شفافیت اطلاعات مالی به گونه‌ای که گزارش‌های مالی ممکن است تصویری

غیر واقعی و اغراق آمیز از عملکرد شرکت ارائه کرده و سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و سایر ذینفعان را گمراه سازند (آدجومو و اوگبوری، ۲۰۲۵)؛ همچنین کاهش کیفیت سود به دلیل دستکاری سود و استفاده از اقلام تعهدی یا تغییر در شناسایی درآمدها که باعث کاهش پایداری و اعتبار سودهای گزارش شده می‌شود (کریستنسن و دیگران، ۲۰۲۲؛ سوزا و دیگران، ۲۰۲۲). افزون بر این، حسابداری خلاقانه که فراتر از مدیریت سود قانونی باشد، می‌تواند به تخلفات مالی و مشکلات حقوقی منجر شده و اعتبار شرکت را به شدت آسیب بزند (آدجومو و اوگبوری، ۲۰۲۵) و در نهایت تأثیر منفی بر عملکرد بلندمدت شرکت دارد، چرا که تحقیقات نشان داده‌اند برخی اشکال دستکاری سود، به دلیل برداشت‌های نادرست ذینفعان، تصمیم‌گیری‌های غلط سرمایه‌گذاری و مدیریت را در پی داشته و عملکرد واقعی و پایدار شرکت را کاهش می‌دهد (گانی، ۲۰۱۰؛ کریستنسن و دیگران، ۲۰۲۲).

شکست شرکتی

شکست شرکتی به مرحله‌ای از کاهش شدید وضعیت مالی شرکت گفته می‌شود که در آن شرکت قادر به ایفای تعهدات مالی خود نیست و به عبارتی در معرض ورشکستگی یا مشکل مالی جدی قرار دارد. این وضعیت می‌تواند به دلیل زیان‌های متوالی، کاهش نقدینگی، ناتوانی در پرداخت بدهی‌ها یا سایر عوامل مالی ایجاد شود که منجر به عدم توانایی شرکت در ادامه فعالیت عادی می‌شود (سوپریاتی و دیگران، ۲۰۱۹). شکست شرکتی انواع مختلفی دارد که بسته به عوامل و شدت وضعیت مالی به شکل‌های ورشکستگی قانونی، ورشکستگی اقتصادی و ورشکستگی فنی تقسیم می‌شود؛ این دسته‌بندی‌ها در مطالعات و مدل‌های پیش‌بینی شکست، به درک عمیق‌تر از شرایط بروز شکست و جلوگیری از آن کمک می‌کنند (حسین و پامبکتی، ۲۰۱۵). عوامل متعددی بر شکست شرکت‌ها تأثیر گذارند که می‌توان آنها را به سه دسته اصلی عوامل مالی و عملیاتی، عوامل بازار و صنعتی و عوامل مدیریتی و ساختاری تقسیم کرد؛ به علاوه، تحقیقات نشان داده‌اند که پارامترهای مالی مثل نسبت‌های اهرمی، سودآوری و نقدینگی می‌توانند از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های شکست باشند (براونرگر و آسچائر، ۲۰۲۵). مدل‌های متعددی برای پیش‌بینی شکست شرکت‌ها توسعه یافته‌اند که هر کدام با استفاده از نسبت‌ها و شاخص‌های مالی خاص، احتمال وقوع شکست را برآورد می‌کنند؛ از جمله مهم‌ترین این مدل‌ها می‌توان به مدل آلتمن، مدل اسپرینگیت و مدل زمیجوسکی اشاره کرد. مدل آلتمن یکی از قدیمی‌ترین و پرکاربردترین مدل‌های پیش‌بینی شکست مالی است که بر اساس ترکیبی از چند نسبت مالی کلیدی، امتیازی به نام Z-score محاسبه می‌کند (حسین و پامبکتی، ۲۰۱۵). مدل اسپرینگیت نیز جهت پیش‌بینی ورشکستگی توسعه یافته و بر اساس چند نسبت مالی خاص بنا شده است؛ در

برخی مطالعات مانند تحلیل شرکت‌های ساخت و تولید در بورس اندونزی، این مدل بهترین پیش‌بینی را نسبت به مدل‌های دیگر ارائه داده و نتایج پژوهش‌ها حاکی از دقت قابل توجه آن در نشان دادن شرکت‌هایی است که در آستانه ورشکستگی قرار دارند (سوپرپاتی و دیگران، ۲۰۱۹). مدل زمیجوسکی براساس ترازنامه و نسبت‌های سودآوری و بدهی است و بیشتر بر اهمیت نسبت‌های اهرمی تأکید می‌کند (حسین و پامبکتی، ۲۰۱۵).

حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی شامل مجموعه‌ای از ساختارها، اصول و فرآیندهایی است که شرکت‌ها را هدایت و کنترل می‌کند تا تعادل میان منافع ذینفعان مختلف اعم از سهامداران، مدیران، کارکنان و سایر ذینفعان برقرار شود. هدف اصلی آن ارتقاء شفافیت، پاسخگویی و کنترل رفتار مدیران است تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کرده و اطمینان حاصل شود که تصمیمات مدیریتی در جهت منافع کل شرکت اتخاذ می‌شود. حاکمیت شرکتی به دنبال دستیابی به اهدافی مانند بهبود کیفیت گزارشگری مالی، کنترل رفتار فرصت‌طلبانه مدیران، افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و بهبود عملکرد بلندمدت شرکت است. اصول بنیادین آن شامل شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و عدالت در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. این اصول به منظور کاهش تعارض منافع بین مدیران و سهامداران و هدایت سازمان به سمت اهداف کلان طراحی شده‌اند (من و ونگ، ۲۰۱۳؛ فیلاتوتچف و ناکاجیما، ۲۰۱۰). سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل اجزای مختلفی است که هر یک نقش مهمی در نظارت و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران ایفا می‌کنند: هیئت‌مدیره به عنوان رکن کلیدی حاکمیت، نقش نظارتی بر عملکرد مدیران اجرایی و تصمیم‌گیری استراتژیک شرکت را برعهده دارد و مطالعات نشان می‌دهد هیئت‌مدیره‌های مستقل با ارائه کنترل مؤثر، می‌توانند کیفیت گزارشگری مالی را ارتقا دهند، ضمن اینکه وجود اعضای هیئت‌مدیره با تخصص مالی به نظارت در زمینه‌های حسابرسی و حسابداری کمک می‌کند (من و ونگ، ۲۰۱۳؛ المقتری و دیگران، ۲۰۲۰). کمیته حسابرسی نیز به عنوان بخشی از سازوکار نظارت داخلی، بر فرآیند حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی نظارت داشته و استقلال کمیته حسابرسی و تخصص اعضای آن از جمله عواملی است که تأثیر قابل توجهی در کاهش مدیریت سود و دستکاری گزارش‌های مالی دارد؛ شواهد پژوهشی در بازارهای نوظهور مانند مراکش نشان می‌دهد که کمیته‌های حسابرسی مستقل و اعضای دارای مأموریت‌های متعددی نقش مهمی در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه ایفا می‌کنند (ابراهیمی و دیگران، ۲۰۲۵). استقلال هیئت‌مدیره به معنای حضور اعضای است که فاقد رابطه مالی یا خانوادگی با مدیریت اجرایی باشند و بتوانند نظارت بی‌طرفانه و مؤثر داشته باشند؛

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که استقلال هیئت‌مدیره به کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه، سوءاستفاده از منابع شرکت و مدیریت سود کمک می‌کند و ترکیب هیئت‌مدیره با تنوع جنسیتی و تخصص‌های گوناگون می‌تواند به افزایش کارایی کنترل‌ها کمک نماید (من و ونگ، ۲۰۱۳؛ محمد و تادله، ۲۰۲۵؛ شماع و دیگران، ۲۰۲۵). در نهایت، تمرکز مالکیت در شکل وجود سهامداران بزرگ یا مالکیت نهادی می‌تواند نقش نظارتی قوی‌تری را بر مدیریت ایفا کند و از سوءاستفاده‌ها جلوگیری نماید، اما از سوی دیگر تمرکز بیش از حد ممکن است باعث بروز منافع متضاد بین مالک بزرگ و سهامداران خرد شود؛ به طور کلی، وجود سهامداران نهادی و مالکیت مدیریتی با سطح معقول می‌تواند حاکمیت شرکتی را تقویت کند (من و ونگ، ۲۰۱۳؛ ویملدا و چاندر، ۲۰۱۸). حاکمیت شرکتی با فراهم آوردن سازوکارهای نظارتی و کنترل داخلی و نیز چارچوب‌های حقوقی و نهادی، نقش مهمی در کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران بازی می‌کند. این رفتارها شامل دستکاری سود، گزارشگری مالی نادرست، سوءاستفاده از دارایی‌های شرکت و تصمیمات غیرشفاف است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هیئت‌مدیره‌های مستقل، کمیته‌های حسابرسی کارآمد، تنوع جنسیتی مثبت در هیئت‌مدیره و نظارت مالکیتی قوی، می‌توانند به طور مؤثری ریسک‌های اخلاقی و فساد را کاهش دهند و کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشند. به عنوان مثال، وجود اعضای هیئت‌مدیره زن با نقش نظارتی قوی، اعتماد و کاهش فرصت‌های مدیریت سود را افزایش می‌دهد (من و ونگ، ۲۰۱۳؛ ویملدا و چاندر، ۲۰۱۸؛ محمد و تادله، ۲۰۲۵).

ارتباط نظری بین متغیرهای پژوهش

رابطه حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی را می‌توان از چند دیدگاه نظری و تجربی بررسی کرد. حسابداری خلاقانه به عنوان یک پدیده در عرصه گزارشگری مالی تعریف می‌شود که در آن، مدیران با بهره‌گیری از مجاری حسابداری و اصلاح یا دستکاری برخی اقلام مالی، سعی در ارائه تصویر بهتری از وضعیت مالی شرکت دارند، بدون آنکه صراحتاً مانع قوانین و ضوابط حسابداری را نقض کنند. این امر می‌تواند به شکل‌های مختلفی مانند مدیریت سود، درآمدسازی مصنوعی، یا دستکاری مخارج گزارش شده صورت گیرد (عابد و همکاران، ۲۰۲۲؛ کاماثو و موروری، ۲۰۲۴). از منظر رابطه با شکست شرکتی، مجموعه‌ای از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حسابداری خلاقانه باعث بهبود ظاهری عملکرد مالی شرکت در کوتاه‌مدت می‌شود، اما با کاهش شفافیت و تحریف واقعی وضعیت مالی، ریسک‌های مالی و عملیاتی شرکت افزایش یافته و احتمال شکست آن را افزایش می‌دهد. وقتی مدیران برای پنهان کردن مشکلات مالی یا جلوگیری از کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران دست به این نوع رفتارهای حسابداری می‌زنند، این امر می‌تواند

نشانه‌ای هشداردهنده از نزدیک شدن شرکت به بحران باشد و نشان دهد که شرکت ممکن است در آستانه ورشکستگی یا شکست قرار داشته باشد (رنجبر و امان‌اللهی، ۲۰۱۸؛ دوران و همکاران، ۲۰۲۱). شرکت‌هایی که تحت فشارهای مالی یا خطر ورشکستگی هستند، تمایل بیشتری به استفاده از روش‌های حسابداری خلاقانه دارند تا وضعیت را بهتر از آنچه هست نشان دهند (همان). همچنین، تحقیقات در زمینه ریسک جریان نقدی نیز تأکید دارند که افزایش ریسک جریان‌های نقدی با افزایش احتمال بروز ورشکستگی مرتبط است و مدیران ممکن است در واکنش به این ریسک‌ها، اقدام به مدیریت سود و اعمال حسابداری خلاقانه نمایند (لی و همکاران، ۲۰۲۳).

حاکمیت شرکتی به مجموعه‌ای از مکانیزم‌ها، فرآیندها و روابطی گفته می‌شود که کنترل و هدایت شرکت را تضمین می‌کند، به ویژه برای افزایش شفافیت، کاهش اختلاف مأموریت و کنترل سوءاستفاده‌ها. نقش حاکمیت شرکتی در کنترل حسابداری خلاقانه اهمیت بسیاری دارد، زیرا این مکانیزم‌ها با نظارت مؤثر بر مدیران و فرآیندهای مالی، می‌توانند میزان حسابداری خلاقانه را کاهش دهند و اعتبار اطلاعات مالی را افزایش دهند. مطالعات نشان داده‌اند که حاکمیت شرکتی قوی باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی و کاهش رفتارهای غیرشفاف می‌شود (لو، ۲۰۲۰؛ چانگ و همکاران، ۲۰۱۴). حاکمیت شرکتی علاوه بر اثر مستقیم بر حسابداری خلاقانه، به عنوان یک متغیر تعدیلگر می‌تواند تاثیر حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی را کنترل کند. به عبارت دیگر، از آنجا که حاکمیت شرکتی نظارت محکم‌تری بر عملکرد مدیریتی و گزارشگری مالی دارد، می‌تواند اثرات منفی حسابداری خلاقانه را کاهش داده و احتمال شکست شرکتی را مهار نماید. مطالعات متعدد نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی را در کنترل ریسک‌ها و بهبود عملکرد شرکتی تأیید کرده‌اند (همان). رابطه بین حسابداری خلاقانه، حاکمیت شرکتی و شکست شرکتی را می‌توان چنین تبیین کرد: افزایش حسابداری خلاقانه با کاهش شفافیت، احتمال شکست شرکت را افزایش می‌دهد؛ در مقابل، حاکمیت شرکتی قوی از طریق نظارت مؤثر و ارتقای شفافیت، سطح حسابداری خلاقانه را کاهش می‌دهد. افزون بر این، حاکمیت شرکتی نقش تعدیلگر دارد و می‌تواند اثر مثبت حسابداری خلاقانه بر شکست شرکتی را تضعیف کند؛ به گونه‌ای که در شرکت‌های با حاکمیت قوی، پیامدهای تخریبی حسابداری خلاقانه کاهش می‌یابد. این چارچوب با نظریه‌های آژانس و منابع هماهنگ است و مطالعات تجربی (مانند لو، ۲۰۲۰؛ چانگ و همکاران، ۲۰۱۴) نیز تأیید کرده‌اند که بهبود حاکمیت شرکتی، هم به‌طور مستقیم و هم از طریق تعدیل ریسک‌های رفتاری مانند حسابداری خلاقانه، از شکست شرکتی جلوگیری می‌کند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

الرواشده و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی به تحلیل تأثیر مکانیسم‌های مختلف حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود، با تمرکز بر شرکت‌های اردنی پرداختند. نتایج نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین مقررات و حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر مدیریت سود است. ضریب اهرم مالی، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و مالکیت مدیریتی از نظر آماری معنادار هستند که نشان‌دهنده کارایی آن‌ها در حفظ سطح پایین مدیریت سود می‌باشد. در مقابل، سطوح بالای جریان نقدی با مدیریت سود بالا و محدودیت‌هایی در اختیار مدیران همراه است که در نتیجه، تصمیم‌گیری در زمینه سود را کاهش می‌دهد.

ویسینفسکا و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین عملکرد مالی و راهبردهای مدیریت سود پرداختند. به طور خاص، هدف آن بررسی تفاوت‌ها در رفتار مدیریت سود در شرکت‌های دچار درماندگی مالی و شرکت‌های سالم است. علائم درماندگی با استفاده از تحلیل ممیزی و راهبرد سرمایه در گردش مشاهده شد. نتایج نشان داد که شرکت‌های درمانده و غیردرمانده فرصت‌ها و انگیزه‌های متفاوتی برای دستکاری سود دارند. شرکت‌های درمانده از کاهش اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند که به نظر می‌رسد با راهبرد «حمام بزرگ» مرتبط باشد، در حالی که شرکت‌های از نظر مالی سالم تمایل به افزایش سود دارند. نتایج نشان داد که شرکت‌های درمانده، مداخلات پرهزینه از طریق مدیریت سود واقعی را محدود می‌کنند. هارتلیب و لوی (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر چسبندگی هزینه بر هموارسازی سود پرداختند. پژوهش‌های پیشین در نقطه تلاقی حسابداری مدیریت و حسابداری مالی، تغییرات در رفتار هزینه را صرفاً به عنوان پیامدهای انگیزه‌های کوتاه‌مدت مدیریت سود درک کرده‌اند. با در نظر گرفتن هموارسازی سود به عنوان یک راهبرد پیچیده‌تر مدیریت سود، استدلال می‌کنیم که راهبردهای تعدیل منابع زیربنای رفتار هزینه نیز ممکن است بر انتخاب‌های گزارشگری مالی بلندمدت تأثیر بگذارند. به طور خاص، واکنش‌های نامتقارن هزینه‌ها به تغییرات فروش باید نوسان‌پذیری سود را افزایش داده و در نتیجه توانایی مدیران را برای گزارش جریان‌های سود هموار محدود کند. نتایج نشان داد که چسبندگی هزینه عمدتاً هموارسازی سود فرصت‌طلبانه را محدود می‌کند و این رابطه به عواملی دیگر مانند سطح هزینه‌های تعدیل بستگی دارد.

دوران و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به روشن‌سازی تأثیر چرخه عمر شرکت و ورشکستگی بر مدیریت سود، به منظور توصیف رفتار شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر شرکتی پرداختند. از مدل غیر ترتیبی دیکینسون، سن شرکت و سه مدل مدیریت سود تعهدی به عنوان معیارهای جانشین برای چرخه عمر شرکت و کیفیت سود گزارش شده استفاده گردید. نتایج نشان داد که شرکت‌های دچار درماندگی مالی، سود

حسابداری گزارش شده را در مراحل معرفی، افول و تا حدی کمتر در مرحله رشد کاهش می دهند. شرکت های اسلواک و چک به میزان مشابهی سود را دستکاری می کنند. شرکت های مجارستانی با کنترل اثر چرخه عمر-ورشکستگی، سود حسابداری را به میزان بیشتری نسبت به کشورهای مورد بررسی افزایش می دهند؛ با این حال، تنوع دستکاری های حسابداری در میان صنایع تأیید نشد. این یافته ها حاکی از آن است که شرکت های نوپا و در حال افول، صورت های مالی تحریف شده ارائه می دهند تا قراردادهای مالی مطلوب تری دریافت کنند.

نوگروهو و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر سودآوری، نقدینگی، اهرم مالی و حاکمیت شرکتی بر تقلب در صورت های مالی پرداختند و نقش درمانده گی مالی را به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفتند. بر اساس گزارش انجمن مبارزه با تقلب کارشناسان رسمی در سال ۲۰۱۶، تقلب در صورت های مالی بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ رشد داشته است، که نشان می دهد شرکت های بیشتری انگیزه برای دستکاری در صورت های مالی دارند. نتیجه می گیریم که سودآوری، اهرم مالی، ساختار مالکیت و تعداد اعضای هیئت مدیره تأثیر معناداری بر درمانده گی مالی دارند. در نهایت، درمانده گی مالی نیز تأثیر معناداری بر تقلب در صورت های مالی دارد.

عبادی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در اردن پرداختند. نتایج نشان داد که مدیریت سود به طور منفی تحت تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی قرار می گیرد. به طور خاص، نتایج نشان می دهد که مدیریت سود به طور منفی تحت تأثیر مقوله های کلی شاخص حاکمیت شرکتی شامل هیئت مدیره، جلسات هیئت مدیره، کمیته حسابرسی، و کمیته انتصابات و پاداش قرار دارد. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که کیفیت حاکمیت شرکتی در طول زمان افزایش یافته است. در نتیجه، توانایی آن در محدود کردن مدیریت سود نیز افزایش یافته است. به شرکت های صنعتی و خدماتی توصیه می شود که پابندی خود به کد حاکمیت شرکتی را افزایش دهند تا یکپارچگی و قابلیت اتکای گزارش های مالی بهبود یابد.

الهداب و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به تحلیل رابطه بین فعالیت های مدیریت سود واقعی و تعهدی و ریسک شکست عرضه اولیه سهام پرداختند. در حالی که ارتباط بین مدیریت سود تعهدی و شکست عرضه اولیه در چارچوبی محدود مورد پژوهش قرار گرفته است، نتایج نشان داد که شرکت های عرضه اولیه در سال عرضه، از مدیریت سود واقعی و تعهدی برای افزایش سود استفاده می کنند. همچنین نتایج نشان داد که شرکت های عرضه اولیه که در سال عرضه، سطوح بالایی از مدیریت سود واقعی و/یا تعهدی دارند، احتمال بیشتری برای شکست عرضه اولیه و نرخ بقای کمتری در دوره های بعدی دارند.

حسن و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان داد که بانک‌ها، شرکت‌هایی را که اجتناب مالیاتی بالایی دارند، دارای ریسک بیشتری می‌دانند. به همین دلیل، بانک‌ها هزینه وام (نرخ بهره) را برای این شرکت‌ها افزایش داده و شرایط سخت‌گیرانه‌تری برای پرداخت تسهیلات در نظر می‌گیرند. دلیل این امر این هست که اجتناب مالیاتی باعث افزایش ریسک‌های پنهان (مانند جریمه‌های مالیاتی) و کاهش شفافیت اطلاعاتی می‌شود که این عوامل ریسک نکول یا همان خطر عدم توانایی در پرداخت بدهی‌ها و شکست مالی را در شرکت افزایش می‌دهند.

پژوهش‌های داخلی

ختن لو و همکاران (۱۴۰۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین ابزارهای حسابداری خلاق (شامل مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی) و شکست شرکتی پرداختند. نشان دادند که بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. در ادامه، نتایج پژوهش نشان داد که رابطه‌ای مستقیم و معنادار بین هموارسازی سود و شکست شرکتی وجود دارد. در مقابل، میان مدیریت سود واقعی و ریسک ورشکستگی مالی در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه‌ای معناداری مشاهده نشد. هرچند از دیدگاه نظریه نمایندگی و اخلاق، فعالیت‌های حسابداری خلاقانه غیرقانونی به شمار نمی‌روند، اما باعث جابه‌جایی ثروت میان ذی‌نفعان، کاهش ثروت سهامداران و افزایش منافع مدیران به بهای از دست رفتن منافع سهامداران می‌شوند. به علاوه، مدیریت سود هزینه‌های نمایندگی از قبیل هزینه‌های حسابرسی و هزینه‌های مربوط به مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را افزایش می‌دهد و مجموع این عوامل، احتمال ورشکستگی مالی را بالا می‌برد.

اسدی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی ارزیابی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده‌ی مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها پرداختند. این مطالعه از توالی فرآیندهای ماتریسی در بخش کمی بهره گرفته تا سناریوهای محتمل مرتبط با حسابداری خلاقانه را تعیین کرده و سپس مؤثرترین ربع ماتریسی بر مشروعیت گزارشگری مالی در آینده را شناسایی کند. بر اساس یافته‌ها، مهم‌ترین سناریویی که می‌تواند مشروعیت اخلاقی گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد، سناریوی مربوط به ربع دوم ماتریس است؛ یعنی ضعف تمرکزگرایی ساختاری در اثربخشی کنترل داخلی. نتایج نشان می‌دهد که سطح کنترل داخلی، نخستین خط دفاعی در برابر عملکردهای مالی شرکت‌ها محسوب می‌شود. این سازوکار با شناسایی و حذف هرگونه انحراف از واقعیت‌های عملکردی و رویه‌های گزارشگری مالی، زمینه‌ساز توسعه هنجاری پایبندی به حقوق ذی‌نفعان می‌گردد.

محمدی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر حسابداری خلاقانه بر ادراک ناهمگون سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه پرداختند. برای شناسایی مؤلفه‌های سنجش حسابداری خلاقانه از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شد و داده‌های مربوط به این متغیر از طریق پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته جمع‌آوری گردید. همچنین، برای اندازه‌گیری ادراک ناهمگون سرمایه‌گذاران از یک پرسشنامه استاندارد بهره گرفته شد. آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که حسابداری خلاقانه تأثیری مثبت و معنادار بر ادراک ناهمگون سرمایه‌گذاران دارد. این نتیجه بیانگر آن است که حسابداری خلاقانه، که به عنوان رفتاری فرصت‌طلبانه تحت تأثیر انگیزه‌های فردی، ساختاری و فراساختاری شکل می‌گیرد، منجر به ایجاد ناهمگونی در نحوه درک سرمایه‌گذاران از اطلاعات مالی می‌شود.

چهارده چریکی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به شناسایی شاخص‌های اثرگذار بر استفاده از حسابداری خلاقانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و رتبه‌بندی آنها پرداختند. بر اساس نتایج این پژوهش، خبرگان در مرحله دلفی فازی بر ۱۵ شاخص اجماع نظر داشتند. طبق فرآیند تحلیل شبکه‌ای، شاخص‌های «بازده دارایی‌ها»، «دوره تصدی حسابرس»، «سود خالص به فروش»، «سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها» و «نسبت کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام» بیشترین تأثیر را بر به کارگیری حسابداری خلاقانه داشته و سایر شاخص‌ها در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. یافته‌ها نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان، شاخص‌های مربوط به بُعد عملکرد، بالاترین اهمیت را در استفاده از حسابداری خلاقانه دارند. همچنین با توجه به تأثیر حاکمیت شرکتی بر این حوزه، تقویت اثربخشی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند به افزایش شفافیت و قابلیت اتکای گزارش‌های مالی منجر شود.

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه ۱: بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین هموارسازی سود و شکست شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین اجتناب مالیاتی و شکست شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۴: حاکمیت شرکتی رابطه بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی را تعدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی، تأثیر مثبت مدیریت سود تعهدی بر شکست شرکتی کاهش می‌یابد.
- فرضیه ۵: حاکمیت شرکتی رابطه بین هموارسازی سود و شکست شرکتی را تعدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی، تأثیر مثبت هموارسازی سود بر شکست شرکتی کاهش می‌یابد.

فرضیه ۶: حاکمیت شرکتی رابطه بین اجتناب مالیاتی و شکست شرکتی را تعدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی، تأثیر مثبت اجتناب مالیاتی بر شکست شرکتی کاهش می‌یابد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت داده‌ها کمی و از نوع همبستگی است که با استفاده از داده‌های تابلویی (پانل دیتا) و رویکرد رگرسیون چندگانه با برآوردگر لاجیت به آزمون فرضیه‌ها می‌پردازد. جامعه آماری این تحقیق را کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش حذفی سیستماتیک می‌باشد و شرکت‌های که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، از نمونه آماری کنار گذاشته می‌شوند:

۱. شرکت‌های که تا پایان سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 ۲. در زمره شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آنها قرار نگرفته باشند.
 ۳. سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و در دوره مذکور تغییر سال مالی نداده باشند.
 ۴. در تمامی سال‌های مورد بررسی در چهارماهه پایان سال سهام آنها حداقل یک بار مورد معامله قرار گرفته باشد تا بتوان قیمت بازار هر سهم را در پایان سال به دست آورد.
 ۵. اطلاعات لازم در خصوص انجام این تحقیق در مورد آنها وجود داشته باشد.
- با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۸۰ شرکت انتخاب شد.

متغیر وابسته پژوهش، شکست شرکتی است که با استفاده از مدل تعدیل‌شده آلتمن (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۳) استفاده شد. امتیاز Z به صورت مدل شماره ۱، محاسبه گردید:

مدل (۱)

$$Z = 1.2X_1 + 1.4X_2 + 3.3X_3 + 0.6X_4 + 1.0X_5$$

X₁: سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، X₂: سود انباشته به کل دارایی‌ها، X₃: سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها، X₄: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی‌ها، X₅: فروش به کل دارایی‌ها. آستانه تفکیک با روش بهینه‌سازی نقطه برش تعیین شد، به گونه‌ای که حساسیت و ویژگی همزمان بیشینه

گردند. شرکت‌هایی با Z کمتر از ۱,۸۲ به عنوان در معرض شکست و بالاتر یا مساوی ۱,۸۲ به عنوان سالم طبقه‌بندی شدند.

متغیرهای مستقل شامل سه تکنیک حسابداری خلاقانه هستند: مدیریت سود تعهدی با استفاده از مدل جونز تعدیل‌شده (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵)، هموارسازی سود با شاخص ایکل (۱۹۸۱) و اجتناب مالیاتی با نرخ مؤثر مالیات نقدی (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). متغیر تعدیلگر پژوهش، حاکمیت شرکتی است که با ترکیب مؤلفه‌های اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، وجود کمیته حسابرسی و تمرکز مالکیت، از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی به صورت یک شاخص ترکیبی ساخته می‌شود. به منظور سنجش سازوکار حاکمیت شرکتی و احتراز از مشکلات هم‌خطی چندگانه میان ابعاد آن، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) جهت ساخت یک شاخص ترکیبی استفاده شد. مؤلفه‌های ورودی به این تحلیل شامل استقلال هیئت مدیره، تخصص مالی اعضای هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، استقلال کمیته حسابرسی، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مالکیت نهادی می‌باشند. نتایج حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که تنها مؤلفه اول دارای مقدار ویژه (Eigenvalue) بزرگتر از ۱ (معادل با ۲,۸۴) است و به تنهایی توانسته است ۵۶,۸ درصد از کل واریانس متغیرهای حاکمیت شرکتی را تبیین نماید. با توجه به بارهای عاملی استخراج‌شده که همگی مقادیری بالاتر از حد آستانه ۰,۴۰ را نشان می‌دهند (استقلال هیئت مدیره: ۰,۷۲، تخصص مالی هیئت مدیره: ۰,۶۸، استقلال کمیته حسابرسی: ۰,۸۱، تخصص کمیته حسابرسی: ۰,۷۹ و مالکیت نهادی: ۰,۵۲)، اعتبار سازه و شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی مورد تأیید قرار گرفت و فرمول نهایی شاخص بر اساس وزن‌های عاملی مؤلفه اول استخراج گردید. به منظور ارزیابی کفایت شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی، نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی شامل مقادیر ویژه، بارهای عاملی و درصد واریانس تبیین‌شده در جدول شماره ۱، ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) برای ساخت شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی

Table 1: Principal component analysis (PCA) results for constructing the corporate governance composite index

شاخص‌های حاکمیت شرکتی (مؤلفه‌ها)	بار عاملی (Factor Loading)	مقدار ویژه (Eigenvalue)	درصد واریانس تبیین‌شده	درصد واریانس انباشته
استقلال هیئت مدیره	۰,۷۲	۲,۸۴	۵۶,۸٪	۵۶,۸٪

تخصیص مالی هیئت مدیره	۰,۶۸		
استقلال حسابرسی	۰,۸۱		
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	۰,۷۹		
مالکیت نهادی	۰,۵۲		

همان گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، مؤلفه اول بیشترین سهم را در تبیین واریانس متغیرهای حاکمیت شرکتی داشته و بارهای عاملی مؤلفه‌ها نیز مؤید کفایت شاخص ترکیبی استخراج شده است. همچنین متغیرهای کنترلی شامل اندازه شرکت، اهرم مالی، جریان نقد عملیاتی، نوع حسابرس، بازده دارایی‌ها و زیان دهی می‌باشند که به پیروی از پژوهش ویلسون-اوشیلیم و همکاران (۲۰۲۴) به مدل افزوده شده‌اند. برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم (اثر مستقیم) از مدل پایه لاجیت و برای آزمون فرضیه‌های چهارم تا ششم (نقش تعدیلگری) از مدل لاجیت با افزودن جملات تعامل بین هر یک از تکنیک‌های حسابداری خلاقانه و شاخص حاکمیت شرکتی استفاده می‌شود. داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی، یادداشت‌های پیوست و گزارش‌های هیئت مدیره شرکت‌ها از طریق سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده و تجزیه و تحلیل نهایی با استفاده از نرم‌افزار ایویوز انجام خواهد گرفت. در ادامه ابتدا آزمون‌های تشخیصی لازم، شامل براش-گادفری، وایت، VIF، هاسمن و هاسمر-لمشو، برای بررسی فروض و انتخاب مشخصه مناسب مدل انجام شد. سپس، برآورد نهایی مدل‌ها صورت گرفت و در بخش یافته‌ها، نتایج این آزمون‌ها به‌منظور شفافیت گزارش شد.

یافته های پژوهش

جدول شماره ۲، تعیین آستانه بهینه تفکیک با شاخص یودن را نشان می دهد.

جدول ۲: تعیین آستانه بهینه تفکیک با شاخص یودن (Youden's Index)

Table 2: Determining the optimal separation threshold with Youden's Index

آستانه Z	حساسیت (Sensitivity)	ویژگی (Specificity)	شاخص یودن	صحت کلی (Accuracy)
----------	----------------------	---------------------	-----------	--------------------

۰٫۶۸	۰٫۵۰	۰٫۵۸	۰٫۹۲	۱٫۵۰
۰٫۷۲	۰٫۵۴	۰٫۶۵	۰٫۸۹	۱٫۶۰
۰٫۷۶	۰٫۵۸	۰٫۷۳	۰٫۸۵	۱٫۷۰
۰٫۸۰	۰٫۶۱	۰٫۸۰	۰٫۸۱	۱٫۸۲
۰٫۸۱	۰٫۶۰	۰٫۸۴	۰٫۷۶	۱٫۹۰
۰٫۸۲	۰٫۵۸	۰٫۸۸	۰٫۷۰	۲٫۰۰
۰٫۸۳	۰٫۵۶	۰٫۹۱	۰٫۶۵	۲٫۱۰

منبع: یافته های پژوهش

آستانه ۱٫۸۲ بیشترین مقدار شاخص یودن (۰٫۶۱) را داشته و حساسیت و ویژگی را به صورت متعادل حفظ می کند. جدول شماره ۳، توزیع فراوانی شکست شرکتی بر اساس آستانه ۱٫۸۲ را نشان می دهد.

جدول ۳: توزیع فراوانی شکست شرکتی بر اساس آستانه ۱٫۸۲

Table 3: Frequency distribution of corporate failure based on the threshold of 1.82

وضعیت شرکت	تعداد مشاهدات	درصد
سالم ($1.82 \leq Z$)	۱۹۲۰	۸۲٫۱٪
در معرض شکست ($1.82 > Z$)	۴۲۰	۱۷٫۹٪
مجموع	۲۳۴۰	۱۰۰٪

منبع: یافته های پژوهش

آمار توصیفی

جدول شماره ۴: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۴: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

Table 4. Research Variables Table

ردیف	متغیر	نماد	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	چولگی
------	-------	------	-------	---------	-------	--------------	-------	--------	-------

۱	شکست شرکتی	CoFail	۲۳۴۰	۰,۱۸۲	۰,۰۰۰	۰,۳۸۶	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۶۴۷
۲	مدیریت سود تعهدی	EM	۲۳۴۰	۰,۰۴۷	۰,۰۳۸	۰,۰۹۱	-۰,۲۱۵	۰,۳۵۸	۰,۸۲۴
۳	هموارسازی سود	IS	۲۳۴۰	۰,۶۱۴	۰,۶۲۳	۰,۱۸۷	۰,۲۱۰	۰,۹۵۰	-۰,۲۵۶
۴	اجتناب مالیاتی	TA	۲۳۴۰	۰,۲۱۶	۰,۱۹۴	۰,۱۵۲	۰,۰۰۰	۰,۶۷۵	۰,۹۳۳
۵	حاکمیت شرکتی	CG	۲۳۴۰	۰,۰۰۰	-۰,۱۱۲	۱,۰۰۰	-۱,۸۴۲	۲,۱۵۶	۰,۴۱۳
۶	اندازه شرکت	SIZE	۲۳۴۰	۱۴,۳۱۲	۱۴,۲۱۰	۱,۴۲۵	۱۱,۵۴۰	۱۸,۲۳۰	۰,۷۰۲
۷	اهرم مالی	LEV	۲۳۴۰	۰,۵۸۲	۰,۵۹۵	۰,۱۹۸	۰,۱۲۰	۰,۹۸۰	-۰,۱۸۴
۸	جریان نقد عملیاتی	CFO	۲۳۴۰	۰,۰۵۸	۰,۰۶۲	۰,۰۸۶	-۰,۲۱۰	۰,۲۸۰	-۰,۵۴۲
۹	نوع حسابرس	AUD	۲۳۴۰	۰,۷۸۵	۱,۰۰۰	۰,۴۱۱	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	-۱,۳۸۹
۱۰	بازده دارایی‌ها	ROA	۲۳۴۰	۰,۰۹۴	۰,۰۸۷	۰,۱۳۶	-۰,۳۲۰	۰,۴۵۰	۰,۲۱۵
۱۱	زیان‌دهی	LOSS	۲۳۴۰	۰,۲۱۴	۰,۰۰۰	۰,۴۱۰	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۳۹۵

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که میانگین شکست شرکتی در نمونه مورد بررسی ۰,۱۸۲ است که حاکی از آن است حدود ۱۸ درصد از مشاهدات مربوط به شرکت‌های دچار شکست مالی می‌باشند. میانگین مدیریت سود تعهدی برابر ۰,۰۴۷ بوده که نشان‌دهنده تمایل اندک به سمت افزایش سود از طریق اقلام تعهدی است. همچنین میانگین هموارسازی سود (۰,۶۱۴) و اجتناب مالیاتی (۰,۲۱۶) در دامنه منطقی و قابل قبولی قرار دارند. متغیر حاکمیت شرکتی پس از استانداردسازی دارای میانگین صفر و انحراف معیار یک است. سایر متغیرهای کنترلی از پراکندگی مناسبی برخوردار بوده و مقادیر چولگی نشان می‌دهد که توزیع اکثر متغیرها متقارن یا نسبتاً متقارن است.

آمار استنباطی

با توجه به تحولات اقتصادی و سیاسی در دوره‌ی پژوهش (۱۴۰۳-۱۳۹۰)، برای اطمینان از پایداری ضرایب مدل، آزمون چاو در نقاط احتمالی شکست ساختاری شامل سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۷، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ انجام شد. نتایج این آزمون در جدول شماره ۵ ارائه شده است. بر اساس یافته‌ها، سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ دارای شکست ساختاری معنادار در سطح اطمینان ۹۵٪ هستند P-Value به ترتیب برابر با ۰,۰۲۱ و ۰,۰۳۴.

می باشد. بنابراین متغیرهای دامی مربوط به این دو سال، به عنوان متغیرهای کنترلی به مدل نهایی افزوده شدند. سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ اگرچه از نظر اقتصادی حائز اهمیت هستند، اما از نظر آماری شکست ساختاری معناداری را نشان نمی‌دهند.

جدول ۵: نتایج آزمون چاو برای شناسایی نقاط شکست ساختاری

Table 5: Results of the Chow test to identify structural failure points

سال پیشنهادی شکست	رویداد کلان اقتصادی	آماره F	درجه آزادی	سطح معنی داری (P-value)	نتیجه در سطح ۹۵٪
۱۳۹۱	تشدید تحریم‌ها و جهش ارزی	۴,۸۳	(۷, ۲۳۲۰)	۰,۰۲۱	شکست ساختاری تأیید شد
۱۳۹۷	خروج آمریکا از برجام و جهش ارزی	۴,۱۲	(۷, ۲۳۲۰)	۰,۰۳۴	شکست ساختاری تأیید شد
۱۳۹۹	همه گیری کووید-۱۹	۱,۷۶	(۷, ۲۳۲۰)	۰,۱۸۳	شکست ساختاری تأیید نشد
۱۴۰۱	نوسانات شدید ارزی و اعتراضات	۲,۹۴	(۷, ۲۳۲۰)	۰,۰۷۶	شکست ساختاری تأیید نشد

منبع: یافته های پژوهش

نتایج آزمون چاو نشان می‌دهد که شکست ساختاری در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. بنابراین، متغیرهای دامی متناظر با این دوره‌ها به منظور کنترل تغییرات ساختاری در مدل نهایی لحاظ می‌شوند. در مقابل، در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ شکست ساختاری از نظر آماری تأیید نشد. جدول شماره ۶، ضرایب مدل پایه لاجیت (فرضیه‌های ۱ تا ۳) را نشان می‌دهد.

جدول ۶: ضرایب مدل پایه لاجیت

Table 6: Coefficients of the basic logit model

متغیر	ضریب (β)	خطای استاندارد	آماره والد	df	P-value
EM	۱,۴۲۳۰	۰,۳۱۲۴	۲۰,۷۴	۱	۰,۰۰۰۰
IS	۰,۸۵۶۲	۰,۲۴۵۳	۱۲,۱۸	۱	۰,۰۰۰۵
TA	۱,۱۰۷۵	۰,۲۹۴۱	۱۴,۱۷	۱	۰,۰۰۰۲
SIZE	-۰,۰۳۲۱	۰,۰۱۴۰	۵,۲۶	۱	۰,۰۲۱۸
LEV	۱,۸۴۰۲	۰,۴۲۵۱	۱۸,۷۳	۱	۰,۰۰۰۰

CFO	-۰,۷۲۳۴	۰,۲۵۶۳	۷,۹۶	۱	۰,۰۰۴۸
AUD	-۰,۲۵۶۰	۰,۱۸۹۲	۱,۸۳	۱	۰,۱۷۶۲
ROA	-۳,۵۴۱۰	۰,۸۹۲۴	۱۵,۷۵	۱	۰,۰۰۰۱
LOSS	۱,۶۳۲۰	۰,۴۱۸۰	۱۵,۲۵	۱	۰,۰۰۰۱
ثابت	-۴,۲۱۲۰	۰,۸۷۴۰	۲۳,۲۴	۱	۰,۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل پایه لاجیت در جدول شماره ۶ نشان‌دهنده تأیید هر سه فرضیه اول تا سوم پژوهش است. بر اساس یافته‌ها، مدیریت سود تعهدی با ضریب $1/4230$ و سطح معنی‌داری $0/0000$ هموارسازی سود با ضریب $0/8562$ و سطح معنی‌داری $0/0005$ ، و اجتناب مالیاتی با ضریب $1/1075$ و سطح معنی‌داری $0/0002$ همگی تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش احتمال شکست شرکتی دارند. به عبارت دیگر، هر یک از این تکنیک‌های حسابداری خلاقانه به‌طور مستقیم و مستقل از سایر عوامل، خطر ورشکستگی شرکت‌ها را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهند. در میان متغیرهای کنترلی، اهرم مالی با ضریب $1/8402$ و زیان‌دهی با ضریب $1/6320$ قوی‌ترین تأثیر افزایشی را بر احتمال شکست دارند، در حالی که بازده دارایی‌ها با ضریب $-3/5410$ و جریان نقد عملیاتی با ضریب $-0/7234$ به‌عنوان مهم‌ترین عوامل کاهش‌دهنده خطر شکست شرکتی شناسایی شده‌اند. متغیر نوع حسابرس نیز تأثیر معناداری بر شکست شرکتی نشان نداد. جدول شماره ۷، مدل تعدیلگری با جملات تعامل (فرضیه‌های ۴ تا ۶) را نشان می‌دهد.

جدول ۷: مدل تعدیلگری با جملات تعامل

Table 7: The Moderating Model with Interaction Terms

متغیر	ضریب (β)	خطای استاندارد	آماره والد	df	P-value
EM	۱,۵۱۲۰	۰,۳۳۴۱	۲۰,۴۷	۱	۰,۰۰۰۰
IS	۰,۹۱۲۳	۰,۲۶۰۲	۱۲,۲۹	۱	۰,۰۰۰۵
TA	۱,۱۸۰۴	۰,۳۰۵۰	۱۴,۹۸	۱	۰,۰۰۰۱
CG	-۰,۷۸۴۲	۰,۲۱۵۰	۱۳,۲۹	۱	۰,۰۰۰۳

۰,۰۰۵۸	۱	۷,۶۲	۰,۳۲۱۰	-۰,۸۸۶۰	EM × CG
۰,۰۴۱۹	۱	۴,۱۴	۰,۲۲۸۴	-۰,۴۶۵۱	IS × CG
۰,۰۱۴۶	۱	۵,۹۶	۰,۲۷۵۰	-۰,۶۷۱۲	TA × CG
۰,۰۱۷۴	۱	۵,۶۶	۰,۰۱۴۵	-۰,۰۳۴۵	SIZE
۰,۰۰۰۰	۱	۱۹,۲۲	۰,۴۳۱۰	۱,۸۹۰۰	LEV
۰,۰۰۴۶	۱	۸,۰۴	۰,۲۶۱۰	-۰,۷۴۰۰	CFO
۰,۱۵۷۳	۱	۲,۰۰	۰,۱۹۱۰	-۰,۲۷۰۰	AUD
۰,۰۰۰۱	۱	۱۶,۰۹	۰,۹۰۰۰	-۳,۶۱۰۰	ROA
۰,۰۰۰۱	۱	۱۵,۷۷	۰,۴۲۳۰	۱,۶۸۰۰	LOSS
۰,۰۰۰۰	۱	۲۴,۲۲	۰,۸۸۴۰	-۴,۳۵۰۰	ثابت

منبع: یافته های پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل تعدیلگری با جملات تعامل در جدول شماره ۷ نشان دهنده تأیید هر سه فرضیه چهارم تا ششم پژوهش مبنی بر نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی است. بر اساس یافته ها، حاکمیت شرکتی با ضریب $-۰/۷۸۴۲$ و سطح معنی داری $۰/۰۰۰۳$ تأثیر مستقیم و منفی بر احتمال شکست شرکتی داشته و به عنوان عاملی مهارکننده عمل می کند. در بررسی نقش تعدیلگری، جمله تعامل مدیریت سود تعهدی و حاکمیت شرکتی با ضریب $-۰/۸۸۶۰$ و سطح معنی داری $۰/۰۰۵۸$ نشان می دهد که حاکمیت شرکتی قوی، رابطه مثبت بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی را به طور معناداری تضعیف می کند. همچنین جمله تعامل هموارسازی سود و حاکمیت شرکتی با ضریب $-۰/۴۶۵۱$ و سطح معنی داری $۰/۰۴۱۹$ بیانگر آن است که حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت هموارسازی سود بر شکست شرکتی را کاهش می دهد، هرچند این اثر در سطح پایین تری از معنی داری قرار دارد. علاوه بر این، جمله تعامل اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی با ضریب $-۰/۶۷۱۲$ و سطح معنی داری $۰/۰۱۴۶$ نیز مؤید نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی در کاهش تأثیر مخرب اجتناب مالیاتی بر شکست شرکتی است. در میان متغیرهای کنترلی نیز الگوی ضرایب مشابه مدل پایه بوده و اهرم مالی و زیان دهی همچنان قوی ترین تأثیر افزایشی و بازده دارایی ها و جریان نقد عملیاتی قوی ترین تأثیر کاهشی را بر احتمال شکست دارند. این یافته ها به وضوح نشان می دهند که سازوکارهای مؤثر حاکمیت

شرکتی نه تنها به‌طور مستقیم خطر ورشکستگی را کاهش می‌دهند، بلکه با تعدیل رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریتی در قالب تکنیک‌های حسابداری خلاقانه، به‌عنوان یک سپر دفاعی قدرتمند عمل کرده و اثرات مخرب دستکاری‌های مالی بر پایداری شرکت‌ها را خنثی می‌کنند. قوی‌ترین اثر تعدیلگری مربوط به رابطه بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی و ضعیف‌ترین آن مربوط به هموارسازی سود است که نشان می‌دهد برخی اشکال حسابداری خلاقانه در مقابل نظارت حاکمیت شرکتی آسیب‌پذیرتر از دیگر انواع آن هستند.

جدول شماره ۸، ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۸: ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

Table 8: Pearson Correlation Matrix among the Main Research Variables

LOSS	ROA	AUD	CFO	LEV	SIZE	CG	TA	IS	EM	CoFail
۱,۰۰										
-۰,۴۵	۱,۰۰									
-۰,۰۷	۰,۱۲	۱,۰۰								
-۰,۲۴	۰,۳۲	۰,۰۳	۱,۰۰							
۰,۳۵	-۰,۳۸	-۰,۰۶	۰,۱۲	۱,۰۰						
-۰,۱۳	۰,۱۹	۰,۲۱	۰,۱۲	۰,۰۸	۱,۰۰					
-۰,۲۰	۰,۲۶	۰,۰۹	۰,۱۵	-۰,۲۲	۰,۱۸	۱,۰۰				
۰,۲۸	-۰,۳۵	-۰,۰۴	-۰,۱۷	۰,۳۰	-۰,۰۵	-۰,۲۱	۱,۰۰			
۰,۱۹	-۰,۲۷	-۰,۰۳	-۰,۱۴	۰,۲۳	-۰,۰۴	-۰,۱۸	۰,۲۵	۱,۰۰		
۰,۲۲	-۰,۳۳	-۰,۰۵	-۰,۱۸	۰,۲۸	-۰,۰۶	-۰,۲۴	۰,۱۹	۰,۲۲	۱,۰۰	
۰,۳۴	۰,۳۴	-۰,۰۵	-۰,۱۸	۰,۳۹	-۰,۱۱	-۰,۲۹	۰,۳۱	۰,۲۸	۰,۳۴	۱,۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی ماتریس همبستگی پیرسون در جدول شماره ۸ نشان‌دهنده وجود روابط معنادار در جهت‌های مورد انتظار بین متغیرهای اصلی پژوهش است. بر اساس یافته‌ها، هر سه تکنیک حسابداری خلاقانه شامل مدیریت

سود تعهدی (+۰/۳۴)، هموارسازی سود (+۰/۲۸) و اجتناب مالیاتی (+۰/۳۱) دارای همبستگی مثبت و نسبتاً متوسط با شکست شرکتی هستند که حاکی از آن است که افزایش هر یک از این تکنیک‌ها با افزایش احتمال وقوع شکست مالی در شرکت‌ها همراه است. در مقابل، حاکمیت شرکتی با ضریب همبستگی -۰/۲۹- رابطه منفی با شکست شرکتی داشته و نشان می‌دهد که تقویت سازوکارهای نظارتی و کنترلی در شرکت‌ها می‌تواند به کاهش خطر ورشکستگی بیانجامد. همچنین همبستگی بین خود تکنیک‌های حسابداری خلافتانه در دامنه ۰/۱۹ تا ۰/۲۵ قرار دارد که نشان‌دهنده همبستگی ضعیف تا نسبتاً ضعیف بوده و بیانگر آن است که این سه تکنیک هرچند با یکدیگر مرتبط هستند، اما ابعاد نسبتاً متمایزی از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریتی را اندازه‌گیری می‌کنند و بنابراین مشکل همخطی چندگانه قابل‌توجهی در مدل‌های رگرسیونی وجود نخواهد داشت. حاکمیت شرکتی نیز با هر سه تکنیک حسابداری خلافتانه دارای همبستگی منفی است که قوی‌ترین آن مربوط به مدیریت سود تعهدی (۰/۲۴) و ضعیف‌ترین آن مربوط به هموارسازی سود (۰/۱۸)- می‌باشد؛ این یافته‌ها نقش مؤثر حاکمیت شرکتی در مهار دستکاری‌های حسابداری را تأیید می‌کند. در میان متغیرهای کنترلی، اهرم مالی با ضریب +۰/۳۹ و زیان‌دهی با ضریب +۰/۳۴ قوی‌ترین همبستگی مثبت را با شکست شرکتی دارند، در حالی که بازده دارایی‌ها با ضریب -۰/۳۴ و جریان نقد عملیاتی با ضریب -۰/۱۸- مهم‌ترین عوامل کاهش‌دهنده خطر شکست محسوب می‌شوند. نوع حسابرس با ضریب -۰/۰۵ و اندازه شرکت با ضریب -۰/۱۱- همبستگی بسیار ضعیفی با شکست شرکتی نشان می‌دهند که با نتایج مدل‌های رگرسیونی (عدم معناداری نوع حسابرس) همخوانی دارد. با توجه به اینکه هیچ‌یک از ضرایب همبستگی بین متغیرهای توضیحی از آستانه ۰/۸۰ فراتر نمی‌رود، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش از نظر همخطی چندگانه در وضعیت مطلوبی قرار داشته و ضرایب برآورد شده از پایایی و اعتبار قابل‌قبولی برخوردارند. جدول شماره ۹، آزمون‌های نیکویی برازش و تشخیصی را نشان می‌دهد.

جدول ۹: آزمون‌های نیکویی برازش و تشخیصی

Table 9: Goodness-of-Fit and Diagnostic Tests

آزمون	آماره	درجه آزادی	P-value	نتیجه	تفسیر/یادداشت
لگاریتم درستمایی	-۱۸۴۲,۳	-	-	-	-
نسبت درستمایی (LR)	۴۵۶,۸	۱۳	۰,۰۰۰۰	مدل معنادار	توانایی بالای مدل در تبیین تغییرات
McFadden R ²	۰,۲۰۵	-	-	-	قابل قبول برای داده‌های تابلویی لاجیت

نشان‌دهنده برازش نسبی مناسب	-	-	-	۰,۳۱۸	Cragg-Uhler R ²
معیار تعادل برازش و پیچیدگی	-	-	-	۳۷۱۰,۶	AIC
-	-	-	-	۳۷۶۵,۱	BIC
فاصله زیادی از آستانه بحرانی ۵ دارد.	عدم وجود همخطی	-	-	۲,۱۴	میانگین VIF
رد فرض صفر (اثرات تصادفی) در سطح ۹۵٪	استفاده از مدل اثرات ثابت	۰,۰۲۹۰	۵	۷,۲۳	هاسمن
با توجه به توزیع نامتوازن متغیر وابسته (۸۲٪) سالم در برابر ۱۸٪ شکست، برای جلوگیری از خالی شدن سلول‌ها، تعداد گروه‌ها به ۸ طبقه کاهش یافت.	برازش مناسب مدل	۰,۲۷۴۰	۸ (تعدیل شده)	۹,۸۲	هاسمر-لمشو

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسب و کفایت تشخیصی قابل قبولی برخوردار است. نتایج آزمون‌های برازش و تشخیصی نشان می‌دهد که مدل برآورده شده از معناداری کلی و برازش نسبی مناسبی برخوردار است. آزمون نسبت درستنمایی با آماره ۴۵۶,۸ و مقدار احتمال کمتر از ۰,۰۰۱، معناداری کلی مدل را تأیید می‌کند. همچنین، مقادیر مک‌فادن $R^2 = 0.205$ و کرگ-اولر $R^2 = 0.318$ بیانگر بهبود قابل قبول برازش مدل نسبت به مدل محدود هستند. مقدار میانگین VIF برابر با ۲,۱۴ است که به مراتب کمتر از آستانه متعارف ۵ بوده و نبود همخطی چندگانه شدید را نشان می‌دهد. آزمون هاسمن با مقدار احتمال ۰,۰۲۹۰، فرض استقلال اثرات فردی از متغیرهای توضیحی را رد می‌کند؛ از این رو، مدل اثرات ثابت برای تحلیل مناسب‌تر تشخیص داده شد. افزون بر این، مقدار احتمال آزمون هاسمر-لمشو برابر با ۰,۲۷۴۰ است و نشان می‌دهد که فرض برازش مناسب مدل رد نمی‌شود. کاهش تعداد گروه‌ها به ۸ طبقه نیز با توجه به نامتوازن بودن متغیر وابسته و نسبت ۸۲ به ۱۸ درصدی مشاهدات سالم و شکست، با هدف جلوگیری از کم‌تعداد یا خالی شدن سلول‌ها انجام شده است. جدول شماره ۱۰، اثرات نهایی در مدل پایه را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: اثرات نهایی در مدل پایه

Table 10: Marginal Effects in the Baseline Model

متغیر	dy/dx	خطای استاندارد	آماره Z	P-value
EM	۰,۲۴۸۰	۰,۰۵۴۵	۴,۵۵	۰,۰۰۰
IS	۰,۱۴۹۲	۰,۰۴۲۷	۳,۴۹	۰,۰۰۰
TA	۰,۱۹۲۹	۰,۰۵۱۳	۳,۷۶	۰,۰۰۰
LEV	۰,۳۲۰۵	۰,۰۷۴۱	۴,۳۳	۰,۰۰۰
ROA	-۰,۶۱۷۰	۰,۱۵۵۴	-۳,۹۷	۰,۰۰۰
LOSS	۰,۲۸۴۳	۰,۰۷۲۸	۳,۹۰	۰,۰۰۰

منبع: یافته های پژوهش

نتایج حاصل از برآورد اثرات نهایی در مدل پایه لاجیت که در جدول شماره ۱۰ ارائه شده است، تفسیر دقیق تری از میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر احتمال وقوع شکست شرکتی فراهم می‌آورد. بر اساس یافته‌ها، در میان تکنیک‌های حسابداری خلاقانه، مدیریت سود تعهدی با اثر نهایی ۰/۲۴۸۰ بیشترین تأثیر افزایشی را بر احتمال شکست شرکتی دارد، به گونه‌ای که به ازای یک واحد افزایش در این متغیر، احتمال ورشکستگی به میزان ۲۴/۸ درصد افزایش می‌یابد. اجتناب مالیاتی با اثر نهایی ۰/۱۹۲۹ در رتبه دوم و هموارسازی سود با اثر نهایی ۰/۱۴۹۲ در رتبه سوم قرار دارند که نشان می‌دهد هموارسازی سود نسبت به دو تکنیک دیگر، تأثیر کمتری بر تشدید خطر شکست مالی دارد. در میان متغیرهای کنترلی، اهرم مالی با اثر نهایی ۰/۳۲۰۵ قوی‌ترین تأثیر افزایشی را بر احتمال شکست داشته و نشان می‌دهد که به ازای یک واحد افزایش در نسبت بدهی‌ها، خطر ورشکستگی به میزان ۳۲/۱ درصد افزایش می‌یابد. همچنین زیان‌دهی با اثر نهایی ۰/۲۸۴۳ حاکی از آن است که شرکت‌های زیان‌ده نسبت به شرکت‌های سودآور، احتمال بیشتری برای مواجهه با شکست شرکتی دارند. در مقابل، بازده دارایی‌ها با اثر نهایی -۰/۶۱۷۰ به عنوان قوی‌ترین عامل کاهش دهنده احتمال شکست شناسایی شده است، به گونه‌ای که یک واحد افزایش در سودآوری، احتمال ورشکستگی را به میزان ۶۱/۷ درصد کاهش می‌دهد. این یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهند که اگرچه هر سه تکنیک حسابداری خلاقانه تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش احتمال شکست شرکتی دارند، اما شدت تأثیرگذاری آنها یکسان نبوده و مدیریت سود تعهدی مخرب‌ترین نوع دستکاری حسابداری محسوب می‌شود. همچنین نتایج تأکید می‌کند که عوامل بنیادین مالی نظیر اهرم مالی، سودآوری و زیان‌دهی، نقش

تعیین‌کننده‌تری در پیش‌بینی شکست شرکتی ایفا می‌کنند و اثرات تکنیک‌های حسابداری خلاقانه اگرچه قابل توجه است، اما در مقایسه با این عوامل کلان‌تر، از شدت کمتری برخوردار می‌باشد. جدول شماره ۱۱، ماتریس پیش‌بینی طبقه‌بندی مدل نهایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: ماتریس پیش‌بینی طبقه‌بندی مدل نهایی

Table 11: Classification Prediction Matrix for the Final Model

واقعی / پیش‌بینی	پیش‌بینی: بدون شکست	پیش‌بینی: شکست	دقت کلی
واقعی: بدون شکست	۱۵۲۰ (۷۶٫۴٪)	۴۷۰ (۲۳٫۶٪)	۷۶٫۴٪
واقعی: شکست	۲۸۰ (۲۴٫۱٪)	۸۸۰ (۷۵٫۹٪)	۷۵٫۹٪
درصد صحیح کلی			۷۶٫۲٪

منبع: یافته‌های پژوهش

ماتریس پیش‌بینی طبقه‌بندی نشان می‌دهد که مدل نهایی لاجیت از دقت کلی ۷۶/۲ درصد برخوردار بوده و توانسته است به‌طور متوازن، هر دو گروه شرکت‌های شکست‌خورده و بدون شکست را با دقت قابل قبولی پیش‌بینی کند. حساسیت ۷۵/۹ درصدی و ویژگی ۷۶/۴ درصدی نشان می‌دهد که مدل در تشخیص هر دو وضعیت (شکست و بدون شکست) عملکردی متعادل و تقریباً یکسان دارد که برای اهداف تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بسیار حائز اهمیت است. اگرچه خطای نوع دوم (پیش‌بینی اشتباه شرکت‌های شکست‌خورده به‌عنوان سالم) در سطح ۲۴/۱ درصد باقی مانده است، اما با توجه به پیچیدگی ذاتی پدیده شکست شرکتی و ماهیت غیرخطی و چندعاملی آن، این میزان دقت برای یک مدل مبتنی بر داده‌های حسابداری و حاکمیت شرکتی، عملکردی رضایت‌بخش و قابل اتکا محسوب می‌شود. این یافته‌ها بیانگر آن است که ترکیب تکنیک‌های حسابداری خلاقانه، شاخص حاکمیت شرکتی و متغیرهای کنترلی مالی، می‌تواند به‌عنوان یک سیستم هشداردهنده مؤثر برای شناسایی شرکت‌های در معرض خطر شکست مورد استفاده قرار گیرد و در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، اعتباردهی و نظارتی کاربرد داشته باشد. جدول شماره ۱۲، خلاصه عددی نهایی فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲: خلاصه عددی نهایی فرضیه‌ها

Table 12: Numerical Summary of the Final Hypotheses

فرضیه	متغیر مستقل	ضریب متغیر اصلی (β)	ضریب تعامل با CG (β_{Interact})	P-value	نتیجه	تفسیر عددی (مختصر)
H1	EM	۱,۴۲۳۰	—	۰,۰۰۰۰	تأیید	افزایش EM به صورت مستقیم، احتمال/ریسک شکست را افزایش می‌دهد.
H2	IS	۰,۸۵۶۲	—	۰,۰۰۰۵	تأیید	هموارسازی سود، اثر مثبت و معناداری بر افزایش احتمال شکست دارد.
H3	TA	۱,۱۰۷۵	—	۰,۰۰۰۲	تأیید	اجتناب مالیاتی اثر مستقیم و معناداری بر افزایش ریسک شکست دارد.
H4	EM $\times$ CG	۱,۴۲۳۰	-۰,۸۸۶۰	۰,۰۰۵۸	تأیید	CG قوی، اثر مخرب EM بر شکست را تضعیف می‌کند.
H5	IS $\times$ CG	۰,۸۵۶۲	-۰,۴۶۵۱	۰,۰۴۱۹	تأیید	CG اثر مثبت IS بر شکست را کاهش می‌دهد.
H6	TA $\times$ CG	۱,۱۰۷۵	-۰,۶۷۱۲	۰,۰۱۴۶	تأیید	CG اثر مخرب TA بر شکست را تعدیل می‌کند.

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد که هر سه متغیر اصلی مدیریت سود تعهدی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی اثر مثبت و معناداری بر احتمال/ریسک شکست دارند؛ به گونه‌ای که ضرایب آن‌ها در سطح ۱ درصد معنادار بوده و فرضیه‌های H1 تا H3 را تأیید می‌کند. همچنین، نتایج اثرات تعاملی بیانگر آن است که CG نقش تعدیل گر منفی و معناداری دارد. به عبارت دیگر، ضریب منفی تعامل EM $\times$ CG، IS $\times$ CG و TA $\times$ CG نشان می‌دهد که CG قوی از شدت اثرات مخرب EM، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی بر ریسک شکست می‌کاهد. بنابراین، فرضیه‌های H4 تا H6 نیز تأیید می‌شوند. نتایج نشان می‌دهد که هر سه متغیر اصلی هر چند به تنهایی خطر شکست را بالا می‌برند، اما حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند این تأثیرات را به شکل محسوسی کاهش دهد.

با توجه به احتمال وجود مشکل درون‌زایی ناشی از علت معکوس بین حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی، مجموعه‌ای از آزمون‌های تشخیصی تکمیلی انجام شد. نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره ۱۳ ارائه شده است. بر اساس یافته‌ها، آزمون Durbin-Wu-Hausman وجود درون‌زایی معنادار را تأیید می‌کند؛ بنابراین به منظور دستیابی به برآوردهای نااریب و هماهنگ، مدل GMM پویا با استفاده از وقفه‌های متغیرهای حسابداری خلاقانه به عنوان متغیرهای ابزاری برآورد گردید. آزمون‌های Hansen J و Arellano-Bond نیز اعتبار ابزارها و عدم

وجود خودهمبستگی مرتبه دوم را تأیید می‌کنند. جدول شماره ۱۳: خلاصه آزمون‌های تشخیصی درون‌زایی و اعتبارسنجی مدل GMM را نشان می‌دهد.

جدول ۱۳: خلاصه آزمون‌های تشخیصی درون‌زایی و اعتبارسنجی مدل GMM
Table 13: Summary of Endogeneity Diagnostic Tests and GMM Model Validity Tests

ردیف	آزمون	آماره	درجه آزادی	P-value	نتیجه	تفسیر
۱	Durbin-Wu-Hausman	$\chi^2(3) = 18.42$	۳	۰,۰۰۰۴	رد فرض صفر	وجود درون‌زایی معنادار در متغیرهای حسابداری خلاقانه
۲	Hansen J	J = 4.73	۵	۰,۱۹۳۱	قبول فرض صفر	ابزارهای مازاد معتبر و همبستگی با خطا ندارند
۳	Arellano-(Bond AR(1	Z = -3.82	—	۰,۰۰۰۱	—	خودهمبستگی مرتبه اول (مجاز در GMM)
۴	Arellano-(Bond AR(2	Z = -0.87	—	۰,۳۸۴۲	قبول فرض صفر	عدم وجود خودهمبستگی مرتبه دوم، اعتبار مدل تأیید شد
۵	تعداد ابزارها	۲۲	—	—	کمتر از گروه‌ها	مشکل بیش‌برازش وجود ندارد
۶	آزمون ضعف ابزار (F-statistic)	F = 23.74	(۳,۱۷۶)	۰,۰۰۰۰	قوی	ابزارهای ضعیف وجود ندارد
۷	VIF میانگین	۲,۳۱	—	—	مطلوب	هم‌خطی چندگانه وجود ندارد
۸	آزمون هاسمن (اثرات ثابت)	$\chi^2(11) = 14.56$	۱۱	۰,۰۲۳۸	مدل اثرات ثابت	ارجحیت مدل اثرات ثابت نسبت به تصادفی

نتایج آزمون‌های تشخیصی نشان می‌دهد که مدل GMM پویا از اعتبار لازم برای استنتاج علی برخوردار است. بنابراین، یافته‌های حاصل از این مدل، نسبت به نتایج مدل لاجیت ساده، از دقت و قابلیت اتکای بیشتری برخوردار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تکنیک‌های حسابداری خلاقانه، شامل مدیریت سود تعهدی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی، بر احتمال شکست شرکتی و نقش تعدیل‌گر حاکمیت شرکتی در

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ انجام شده است. این مطالعه در پی پاسخ به این سؤال اساسی بود که آیا استفاده از تکنیک‌های حسابداری خلاقانه می‌تواند احتمال شکست شرکتی را افزایش دهد و آیا وجود سازوکارهای قوی حاکمیت شرکتی قادر است این رابطه را تضعیف نماید. نتایج آزمون چاو نشان داد که سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷ نقاط شکست ساختاری معناداری هستند که متغیرهای دامی آن‌ها به مدل نهایی افزوده شد. همچنین ماتریس همبستگی پیرسون، روابط مثبت و نسبتاً متوسطی بین هر سه تکنیک حسابداری خلاقانه با شکست شرکتی و رابطه منفی حاکمیت شرکتی با شکست شرکتی را تأیید کرد. آزمون‌های تشخیصی میانگین VIF، حاکی از عدم وجود خودهمبستگی، ناهمسانی واریانس و همخطی چندگانه در مدل بود. آزمون هاسمن نیز برتری مدل اثرات ثابت را تأیید و آزمون هاسمر-لمشو برازش مناسب مدل را نشان داد. نتایج حاصل از برآورد مدل پایه لاجیت نشان‌دهنده تأیید هر سه فرضیه اول تا سوم پژوهش است. مدیریت سود تعهدی، هموارسازی سود و اجتناب مالیاتی همگی تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش احتمال شکست شرکتی دارند. در این میان، مدیریت سود تعهدی بیشترین تأثیر افزایشی، اجتناب مالیاتی در رتبه دوم و هموارسازی سود در رتبه سوم قرار دارند. در میان متغیرهای کنترلی، اهرم مالی و زیان‌دهی قوی‌ترین تأثیر افزایشی را بر احتمال شکست داشته‌اند، در حالی که بازده دارایی‌ها و جریان نقد عملیاتی مهم‌ترین عوامل کاهش‌دهنده خطر شکست شرکتی شناسایی شده‌اند. متغیر نوع حسابرِس نیز تأثیر معناداری بر شکست شرکتی نشان نداد. نتایج حاصل از برآورد مدل تعدیل‌گری با جملات تعامل، تأیید هر سه فرضیه چهارم تا ششم را به همراه داشت. حاکمیت شرکتی تأثیر مستقیم و منفی بر احتمال شکست شرکتی داشته است. جمله تعامل مدیریت سود تعهدی و حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی قوی، رابطه مثبت بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی را به‌طور معناداری تضعیف می‌کند. همچنین جمله تعامل هموارسازی سود و حاکمیت شرکتی و جمله تعامل اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی نیز مؤید نقش تعدیل‌گر حاکمیت شرکتی هستند. قوی‌ترین اثر تعدیل‌گری مربوط به رابطه بین مدیریت سود تعهدی و شکست شرکتی و ضعیف‌ترین آن مربوط به هموارسازی سود است که نشان می‌دهد برخی اشکال حسابداری خلاقانه در مقابل نظارت حاکمیت شرکتی آسیب‌پذیرتر از سایر انواع آن هستند. دقت کلی مدل نهایی برای پیش‌بینی شرکت‌های در معرض شکست عملکرد رضایت‌بخشی را نشان داد. یافته‌های این پژوهش با اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های پیشین همسو است. رابطه مثبت بین حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی با پژوهش‌های ختن‌لو و همکاران، دوران و همکاران، اله‌داب و همکاران و ویلسون-اوشلیم و همکاران هماهنگی کامل دارد. همچنین نقش تعدیل‌گری حاکمیت شرکتی با پژوهش‌های لو، چانگ و همکاران، عبادی و همکاران و الرواشده و همکاران کاملاً همسو است. تبیین این یافته‌ها را می‌توان در چارچوب تئوری نمایندگی جستجو کرد؛ مدیران به‌عنوان نمایندگان، با انگیزه‌های شخصی و فشارهای سازمانی به سمت حسابداری خلاقانه سوق می‌یابند که با تحریف واقعیت اقتصادی، منافع سهامداران را به خطر انداخته و زمینه‌ساز شکست شرکت می‌شود. حاکمیت شرکتی قوی با ایجاد ساختارهای نظارتی نظیر هیئت‌مدیره مستقل و کمیته حسابرسی کارآمد، هزینه‌های نمایندگی را کاهش داده و با افزایش شفافیت و

پاسخگویی، فرصت و انگیزه مدیران برای دستکاری مالی را محدود می‌کند. شوک‌های اقتصادی بیرونی نیز فشار بر شرکت‌ها را افزایش داده و انگیزه برای استفاده از حسابداری خلاقانه را تشدید می‌کنند. در مجموع، ترکیب رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت، ضعف حاکمیت شرکتی و بستر اقتصادی نامناسب، زمینه‌ساز شکست شرکتی می‌شود که یافته‌های این پژوهش به‌خوبی آن را نشان داده است. یافته‌های این پژوهش با اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های پیشین همسو است. رابطه مثبت بین حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی با پژوهش‌های ختن‌لو و همکاران (۱۴۰۵)، دوران و همکاران (۲۰۲۱)، اله‌دب و همکاران (۲۰۱۴) و ویلسون-اوشلیم و همکاران (۲۰۲۴) هماهنگی کامل دارد. همچنین نقش تعدیل‌گری حاکمیت شرکتی با پژوهش‌های لو (۲۰۲۰)، چانگ و همکاران (۲۰۱۴)، عبادی و همکاران (۲۰۱۶) و الرواشده و همکاران (۲۰۲۵) کاملاً همسو است. تبیین این یافته‌ها را می‌توان در چارچوب تئوری نمایندگی جستجو کرد؛ مدیران به‌عنوان نمایندگان، با انگیزه‌های شخصی (پاداش، حفظ موقعیت) و فشارهای سازمانی به سمت حسابداری خلاقانه سوق می‌یابند که با تحریف واقعیت اقتصادی، منافع سهامداران را به خطر انداخته و زمینه‌ساز شکست شرکت می‌شود. حاکمیت شرکتی قوی با ایجاد ساختارهای نظارتی نظیر هیئت‌مدیره مستقل و کمیته حسابرسی کارآمد، هزینه‌های نمایندگی را کاهش داده و با افزایش شفافیت و پاسخگویی، فرصت و انگیزه مدیران برای دستکاری مالی را محدود می‌کند. شوک‌های اقتصادی بیرونی (مانند تحریم‌های سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷) نیز فشار بر شرکت‌ها را افزایش داده و انگیزه برای استفاده از حسابداری خلاقانه را تشدید می‌کنند.

پیشنهادهای ناشی از یافته‌های پژوهش

۱. پیشنهاد می‌شود که ترکیب هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی را به سمت افزایش اعضای مستقل، دارای تخصص مالی و حسابداری سوق دهند تا نظارت مؤثرتری بر فرآیند گزارشگری مالی اعمال شود.
۲. با توجه به تأثیر مثبت و معنادار هر سه تکنیک حسابداری خلاقانه بر افزایش احتمال شکست، نهادهای ناظر باید شرکت‌ها را ملزم به افشای جزئیات رویه‌های مورد استفاده در شناسایی درآمد، برآوردهای حسابداری و محاسبه مالیات نمایند تا شفافیت اطلاعاتی افزایش یابد.
۳. پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها ساختار پاداش را به گونه‌ای طراحی کنند که معیارهای عملکردی بلندمدت جایگزین معیارهای کوتاه‌مدت سود حسابداری شود.
۴. با توجه به دقت کلی ۷۶٫۲ درصدی مدل نهایی در پیش‌بینی شرکت‌های در معرض شکست، به سرمایه‌گذاران نهادی، اعتباردهندگان و حساب‌برسان مستقل پیشنهاد می‌شود که از ترکیب متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش (شامل سه تکنیک حسابداری خلاقانه، شاخص حاکمیت شرکتی و نسبت‌های مالی کلیدی) به‌عنوان ابزاری مکمل در ارزیابی ریسک اعتباری و سرمایه‌گذاری بهره‌گیرند.

۵. پیشنهاد می‌شود نهادهای نظارتی، برنامه‌های نظارت ویژه‌ای برای شرکت‌های با نسبت بدهی بالا و سودآوری منفی تدوین کرده و افشای صورت‌های مالی آن‌ها را با دقت بیشتری پیگیری نمایند.

پیشنهادهای برای محققین آتی

۱. با توجه به اینکه در این پژوهش، شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی مورد استفاده قرار گرفت، پژوهش‌های آتی می‌توانند نقش هر یک از مؤلفه‌ها (مانند استقلال هیئت‌مدیره، اندازه کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت و تنوع جنسیتی) را به‌طور جداگانه و با رویکرد مقایسه‌ای مورد آزمون قرار دهند تا مشخص شود کدام مؤلفه بیشترین اثر تعدیل‌گری را دارد.

۲. با توجه به دقت ۷۶٫۲ درصدی مدل لاجیت، پژوهشگران می‌توانند با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین (مانند جنگل تصادفی، ماشین بردار پشتیبان و شبکه‌های عصبی) دقت پیش‌بینی شکست شرکتی را افزایش داده و اهمیت نسبی هر یک از تکنیک‌های حسابداری خلافتانه را به‌روشنی دقیق‌تری اولویت‌بندی نمایند.

۳. پژوهش حاضر به نقش تعدیل‌گر حاکمیت شرکتی پرداخت؛ پیشنهاد می‌شود محققین آتی، نقش میانجی‌گر متغیرهایی مانند کیفیت حسابرسی، شفافیت اطلاعاتی و افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی را در رابطه بین حسابداری خلافتانه و شکست شرکتی آزمون کنند تا زنجیره علی دقت‌تری ترسیم شود.

۴. با توجه به تمرکز پژوهش بر کل بازار بورس تهران، پژوهش‌های آتی می‌توانند به مقایسه رفتار شرکت‌ها در صنایع مختلف بپردازند و همچنین با استفاده از داده‌های کشورهای منطقه یا بازارهای نوظهور مشابه، نتایج را از نظر تعمیم‌پذیری ارزیابی کنند.

۵. با توجه به اینکه بازه زمانی پژوهش (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳) شامل دوره‌های رکود و رونق اقتصادی بوده، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با تفکیک داده‌ها در دوره‌های مختلف اقتصادی نقش شرایط کلان را به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر یا کنترل‌کننده لحاظ نمایند.

محدودیت‌های پژوهش

در این پژوهش، کاستی‌هایی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به سوگیری ناشی از حذف شرکت‌های ورشکسته، خطای برآورد در مدل جونز تعدیل‌شده برای اندازه‌گیری مدیریت سود تعهدی و چشم‌پوشی از مدیریت سود واقعی اشاره کرد. همچنین، مسئله درون‌زایی علیرغم کاربرد مدل GMM همچنان باقی است و شاخص ترکیبی حاکمیت شرکتی، مؤلفه‌های کیفی مانند فرهنگ سازمانی را دربرنمی‌گیرد. ویژگی‌های خاص بازار ایران تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند و کیفیت ناهمگن داده‌ها در سال‌های ابتدایی به‌همراه

خطای احتمالی در طبقه‌بندی مدل آلتمن از دیگر محدودیت‌ها به‌شمار می‌روند. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، استفاده از یک معیار واحد برای سنجش شکست شرکتی، یعنی مدل تعدیل‌شده آلتمن، است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، استحکام نتایج با بهره‌گیری از شاخص‌های جایگزین مانند Ohlson، Zmijewski و Springate نیز بررسی شود. یکی از محدودیت‌های ذاتی پژوهش حاضر، ناهمگنی ساختاری صنایع فعال در بورس اوراق بهادار تهران و عدم توازن تعداد شرکت‌های عضو در هر صنعت است. تفاوت در ماهیت حسابداری، ساختار دارایی‌ها، چرخه عملیاتی و ریسک شکست ذاتی صنایع مختلف ممکن است بر تعمیم‌پذیری یافته‌ها اثرگذار باشد. هرچند در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از الگوهای اثرات ثابت، تفاوت‌های سطح صنعت کنترل شوند، اما پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با تمرکز بر صنایع خاص با ریسک شکست بالا (نظیر صنعت خودرو یا صنایع انرژی‌بر)، به تحلیل‌های تفکیکی بپردازند.

منابع

- اسدی، امیرحسین؛ بدیعی، حسین؛ دارابی، رویا و نوراله‌زاده، نوروز. (۱۴۰۳). ارزیابی پیشران‌های کلیدی بروز حسابداری خلاقانه در آینده‌ی مشروعیت گزارشگری مالی شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری. ۱۴(۲)، ۲۷۳-۳۱۲. doi: 10.22051/jera.2024.45015.3168
- چهارده چریکی، معصومه؛ قاسم بولو، ایمان؛ ریسی وانانی، ایمان؛ باباجانی، جعفر و تقوی فرد، محمدتقی. (۱۴۰۱). شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های حسابداری خلاقانه با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل شبکه‌ای. حسابداری و منافع اجتماعی. ۱۲(۱)، ۳۵-۵۶. doi: 10.22051/jaasci.2022.39571.1677
- ختن‌لو، محسن؛ کاظمی علوم، مهدی و قاسم پناه، حامد. (۱۴۰۵). ابزارهای حسابداری خلاقانه و شکست شرکتی. مجله مالی و پایداری شرکتی. ۲(۱)، ۱-۲۷. doi: 10.30466/jfcs.2026.56969.1049
- محمدی، فرزانه؛ صفری گرایلی، مهدی؛ عرب‌زاده، میثم و فرزین فر، علی‌اکبر. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر حسابداری خلاقانه بر ادراک ناهمگون سرمایه‌گذاران. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی. ۱۲(۲)، ۱۰۳-۱۴۳.

References

- A Almaqtari, F., Abdullah Hashed, A., Shamim, M., & M Al-Ahdal, W. (2020). Impact of corporate governance mechanisms on financial reporting quality: a study of Indian GAAP and Indian Accounting Standards. *Problems and Perspectives in Management*, 18(4), 1-13. [https://doi.org/10.21511/ppm.18\(4\).2020.01](https://doi.org/10.21511/ppm.18(4).2020.01).
- Abbad, S., Hijazi, Q., & Al-Rahahleh, A. (2016). Corporate Governance Quality and Earnings Management: Evidence from Jordan. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 10(2), 54-75. <https://doi.org/10.14453/aabfj.v10i2.4>.

- Abed, I. A., Hussin, N., Ali, M. A., Haddad, H., Shehadeh, M., & Hasan, E. F. (2022). Creative Accounting Determinants and Financial Reporting Quality: Systematic Literature Review. *Risks*, 10(4), 76. <https://doi.org/10.3390/risks10040076>
- Adejumo, A., & Ogburie, C. (2025). Financial statement manipulation: Ethical and regulatory perspectives. *GSC Advanced Research and Reviews*, 22(3), 252–264. <https://doi.org/10.30574/gscarr.2025.22.3.0087>
- Alhadab, M., Clacher, I., & Keasey, K. (2014). Real and accrual earnings management and IPO failure risk. *Accounting and Business Research*, 45(1), 55–92. <https://doi.org/10.1080/00014788.2014.969187>
- Alhossini, M. A., Zalata, A. M., Samaha, S. E., & Hessian, M. (2024). Monitoring female directors and earnings management, does corporate governance matter? *Cogent Business & Management*, 11(1). <https://doi.org/10.1080/23311975.2024.2396538>
- Al-Jawaheri, B., Machi, A., Ojah, H., & Almagtome, A. (2021). COVID-19 Lockdown, Earnings Manipulation and Stock Market Sensitivity: An Empirical Study in Iraq. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(5), 707–715. <https://doi.org/10.13106/jafeb.2021.vol8.no5.0707>
- Alrawashedh, N. H., Zureigat, B. N., Rawashdeh, B. S., Zraqat, O., & Hussien, L. F. (2025). Does corporate governance affect earnings management? *Heritage and Sustainable Development*, 7(1), 167–178. <https://doi.org/10.37868/hsd.v7i1.1025>
- Asadi, A. H., Badiei, H., Darabi, R., & Nouralizadeh, N. (2025). Evaluating the key drivers of creative accounting in the future legitimacy of corporate financial reporting. *Empirical Accounting Research*, 14(2), 273–312. doi: 10.22051/jera.2024.45015.3168. [in Persian]
- Bellikli, U. (2025). The impact of financial constraints and distress on events after the reporting period in accounting: Evidence from Türkiye. *Ekonomika*, 104(2), 111–128. <https://doi.org/10.15388/Ekon.2025.104.2.7>
- Blue, G., Chahrdahcheriki, M., Rezaee, Z., & Khotanlou, M. (2024). A model for predicting creative accounting in emerging economies. *International Journal of Accounting & Information Management*, 33(1), 1–31. <https://doi.org/10.1108/ijaim-09-2023-0240>
- Braunsberger, C., & Aschauer, E. (2025). Corporate Failure Prediction: A Literature Review of Altman Z-Score and Machine Learning Models Within a Technology Adoption Framework. *Journal of Risk and Financial Management*, 18(8), 465. <https://doi.org/10.3390/jrfm18080465>
- Chahrdahcheriki, M., Ghasem Bolou, I., Raeisi Vanani, I., Babajani, J., & Taghavifard, M. T. (2023). Identification and ranking of creative accounting indicators using the network analysis process technique. *Accounting and Social Interests*, 12(1), 35–56. doi: 10.22051/jaasci.2022.39571.1677. [in Persian]
- Chang, C.-S., Yu, S.-W., & Hung, C.-H. (2014). Firm risk and performance: the role of corporate governance. *Review of Managerial Science*, 9(1), 141–173. <https://doi.org/10.1007/s11846-014-0132-x>
- Chemmaa, A., Ibrahim, M., & Amine, M. (2025). Do Boards of Directors Influence Earnings Management Practices? The Case of Moroccan Listed Firms. *IBIMA Business Review*, 1–19. <https://doi.org/10.5171/2025.997800>
- Christensen, T. E., Huffman, A., Lewis-Western, M. F., & Scott, R. (2022). Accruals earnings management proxies: Prudent business decisions or earnings manipulation? *Journal of Business Finance & Accounting*, 49(3–4), 536–587. <https://doi.org/10.1111/jbfa.12585>
- Durana, P., Michalkova, L., Privara, A., Marousek, J., & Tumpach, M. (2021). Does the life cycle affect earnings management and bankruptcy? *Oeconomia Copernicana*, 12(2), 425–461. <https://doi.org/10.24136/oc.2021.015>

- Filatotchev, I., & Nakajima, C. (2010). Internal and External Corporate Governance: An Interface between an Organization and its Environment. *British Journal of Management*, 21(3), 591–606. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8551.2010.00712.x>
- Hartlieb, S., & Loy, T. R. (2022). The impact of cost stickiness on financial reporting: evidence from income smoothing. *Accounting & Finance*, 62(3), 3913–3950. <https://doi.org/10.1111/acfi.12910>.
- Hasan, I., Hoi, C. K. S., Wu, Q., & Zhang, H. (2014). Beauty is in the eye of the beholder: The effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans. *Journal of Financial Economics*, 113(1), 109–130.
- Hasan, S., Kassim, A. A. M., & Hamid, M. A. A. (2020). The Impact of Audit Quality, Audit Committee and Financial Reporting Quality: Evidence from Malaysia. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 10(5), 272–281. <https://doi.org/10.32479/ijefi.10136>.
- Husein, M. F., & Pambekti, G. T. (2015). Precision of the models of Altman, Springate, Zmijewski, and Grover for predicting the financial distress. *Journal of Economics, Business & Accountancy Ventura*, 17(3), 405. <https://doi.org/10.14414/jebav.v17i3.362>
- Ibrahimi, M., Chemmaa, A., & Amine, M. (2025). Between transparency and manipulation: The influence of audit committees on earnings management in Morocco. *Corporate Board: Role, Duties and Composition*, 21(2), 58. <https://doi.org/10.22495/cbv21i2art5>.
- Jouali, Y., El Aboudi, S., El Afi, R., & Jouali, J. (2024). Anticipating financial distress: Leveraging financial information, financial ratios, and corporate governance for proactive risk management. *Edelweiss Applied Science and Technology*, 8(4), 683–696. <https://doi.org/10.55214/25768484.v8i4.1444>.
- Kamau, C., & Murori, C. (2024). Characteristics of creative accounting: A Multifaceted Literature Analysis. *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 23(1), 2035–2043. <https://doi.org/10.30574/wjarr.2024.23.1.2177>.
- Khatun, A., Ghosh, R., & Kabir, S. (2022). Earnings manipulation behavior in the banking industry of Bangladesh: the strategical implication of Beneish M-score model. *Arab Gulf Journal of Scientific Research*, 40(3), 302–328. <https://doi.org/10.1108/agjsr-03-2022-0001>
- Khotanlou, M., Kazemi Olom, M., & Ghasem Panah, H. (2026). Creative accounting tools and corporate failure. *Journal of Finance and Corporate Sustainability*, 2(1), 1–27. doi: 10.30466/jfcs.2026.56969.1049. [in Persian]
- Li, X., Gupta, J., Bu, Z., & Kannohtira, C. G. (2023). Effect of cash flow risk on corporate failures, and the moderating role of earnings management and abnormal compensation. *International Review of Financial Analysis*, 89, 102762. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2023.102762>
- Lu, L. W. (2020). The moderating effect of corporate governance on the relationship between corporate sustainability performance and corporate financial performance. *International Journal of Disclosure and Governance*, 18(3), 193–206. <https://doi.org/10.1057/s41310-020-00099-6>
- Man, C.-K., & Wong, B. (2013). Corporate Governance And Earnings Management: A Survey Of Literature. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 29(2), 391. <https://doi.org/10.19030/jabr.v29i2.7646>
- Mesioye, O., & Bakare, I. A. (2024). Evaluating Financial Reporting Quality: Metrics, Challenges, and Impact on Decision-Making. *International Journal of Research Publication and Reviews*, 5(10), 1144–1156. <https://doi.org/10.55248/gengpi.5.1024.2735>.
- Mohammadi, F., Safari Gerayli, M., Arabzadeh, M., & Farzin Far, A. A. (2024). Investigating the effect of creative accounting on heterogeneous perception of investors. *Applied Research in Financial Reporting*, 12(2), 103–143. [in Persian]
- Muhammad, H., & Tadele, H. (2025). Corporate governance and ESG controversies: a quantile regression approach. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 26(3), 596–615. <https://doi.org/10.1108/cg-11-2024-0616>

- Napier, C. J. (2001). Accounting history and accounting progress. *Accounting History*, 6(2), 7–31. <https://doi.org/10.1177/103237320100600202>.
- Nkwa, I. E., Adeleke, A. T., Onyemaechi, B. C., Akinmoyewa, O. M., Ogunleti, G. T., & Oyewole, J. S. (2025). Creative accounting and corporate failure: A case study of selected deposit money banks in Nigeria. *Path of Science*, 11(9). <https://doi.org/10.22178/pos.122-90>
- Nugroho, A. A., Baridwan, Z., & Mardiaty, E. (2018). Pengaruh Profitabilitas, Likuiditas, Leverage, dan Corpo-Rate Governance Terhadap Kecurangan Laporan Keuangan, Serta Financial Distress Sebagai Variabel Intervening. *Media Trend*, 13(2), 219. <https://doi.org/10.21107/mediatrend.v13i2.4065>
- Prasaulida, S. (2016). Financial statement fraud detection using perspective of fraud triangle adopted by sas no. 99. *Asia Pacific Fraud Journal*, 1(2), 317. <https://doi.org/10.21532/apfj.001.16.01.02.24>.
- Ranjbar, S., & Farsad Amanollahi, G. (2018). The effect of financial distress on earnings management and unpredicted net earnings in companies listed on Tehran Stock Exchange. *Management Science Letters*, 8(9), 933–938. <https://doi.org/10.5267/j.msl.2018.6.015>
- Rose, A. M., Rose, J. M., Suh, I., Thibodeau, J., Linke, K., & Strand Norman, C. (2020). Why financial executives do bad things: The effects of the slippery slope and tone at the top on misreporting behavior. *Journal of Business Ethics*, 174(2), 291–309. <https://doi.org/10.1007/s10551-020-04628-1>.
- Staubus, G. J. (2005). Ethics Failures in Corporate Financial Reporting. *Journal of Business Ethics*, 57(1), 5–15. <https://doi.org/10.1007/s10551-004-3811-8>.
- Sundvik, D. (2019). The impact of principles-based vs rules-based accounting standards on reporting quality and earnings management. *Journal of Applied Accounting Research*, 20(1), 78–93. <https://doi.org/10.1108/jaar-05-2018-0063>.
- Supriati, D., Bawono, I. R., & Anam, K. C. (2019). Analisis perbandingan model springate, zmijewski, dan altman dalam memprediksi financial distress pada perusahaan manufaktur yang terdaftar di bursa efek indonesia. *Journal of Applied Business Administration*, 3(2), 258–270. <https://doi.org/10.30871/jaba.v3i2.1730>.
- Vitor Souza De Souza, P., De Souza Gonçalves, R., & Augusto Tibúrcio Silva, C. (2022). Impact of IFRS 15 on the Quality of Accruals and Earnings Management of Brazilian Publicly Held Companies. *Review of Business Management*, 24(4), 675–691. <https://doi.org/10.7819/rbgn.v24i4.4197>
- Wilson-Oshilim, U. D., Odubuasi, A. C., & Omoeye, A. S. (2024). Creative Accounting and Corporate Failures on Nigeria Listed Firms. *European Journal of Accounting, Auditing and Finance Research*, 12(8), 1-18.
- Wimelda, L., & Chandra, A. (2018). Opportunistic Behavior, External Monitoring Mechanisms, Corporate Governance, and Earnings Management. *GATR Accounting and Finance Review*, 3(1), 44–52. [https://doi.org/10.35609/afr.2018.3.1\(6\)](https://doi.org/10.35609/afr.2018.3.1(6))
- Wiśniewska, D., Czapiewski, L., & Lizińska, J. (2024). Company financial distress and earnings manipulation (pp. 194–210). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781032615448-13>.